فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۴۰۳- صفحات ۱۴۲-۱۱۱

عدالت در قران و ابعاد اقتصادی آن

نوع مقاله: پژوهشی

مرتضی عزتی[۱]

تاریخ دریافت:۱۴۰۳/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۴

چکیده

عدالت یکی از مفهوم‌های کلیدی در تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی است. قران به عدالت به عنوان یک مفهوم رفتاری پرداخته است. ولی در بیان اندیشه‌های اسلامی می‌بینیم که برداشت‌های گوناگونی از عدالت را به قرآن و اسلام نسبت می‌دهند. برخی عدالت را مفهوم کلی می‌دانند و عدالت اقتصادی را قسط می‌دانند. برخی عدالت را حکومتی می‌دانند و برخی عدالت را به برابری در درآمدها تعبیر می‌کنند. بی‌شک نمی‌تواند تعبیرهای متفاوت و گاهی متضاد، معنای عدالت باشد. همچنین برداشت-های مغایر با پایه‌های دیگر قرانی و دینی هم نمی‌تواند معنای قرانی عدالت باشد. بر پایه اصول روشن در تعبیرهای دینی، هیچ چیز مغایر با قران را نمی‌توان به دین و اسلام نسبت داد. این مقاله می‌کوشد با نگاه به چارچوب‌های نظری و روش‌شناسی معناشناسی تحلیلی بر علت‌های برداشت غیر قرآنی از مفهوم عدالت ارایه کند و پس از آن با روش‌های ریشه‌شناسی، معناشناسی و بررسی تطبیقی قران به قران، مفهوم درست‌تر عدالت در قران و ابعاد مختلف آن از جمله بعد اقتصادی مطرح شده از عدالت در قرآن را تحلیل و استخراج کند. یافته‌های اصلی این بررسی گویای آن است که در برداشت از عدالت، بیشتر خطاهای رایج در معناشناسی رخ داده است. همچنین عدالت قرآنی به معنای دادن و رعایت حقوق افراد است و برداشت‌هایی مانند توزیع برابر درآمد، دارایی، مصرف و مانند آن نمی‌تواند با عدالت قرآنی سازگار باشد. برابر بودن انسان‌ها در عدالت قرانی می‌گنجد، ولی برابر کردن انسان‌ها مغایر عدالت قرانی است. همچنین عدالت در قران دارای ابعاد مختلفی است که از جمله رفتارهای حکم دادن، شهادت دادن، سخن گفتن و دادن و رعایت حقوق اقتصادی دیگران را دربر می‌گیرد.

کلیدواژه: عدالت، قرآن، توزیع درآمد، اخلاق، نابرابری

طبقه‌بندی JEL: D63, E24, E25, H24

---

[۱] دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس mezzati@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مقدمه

عدالت یکی از آرمان‌های دیرین و همگانی بشری است. اندیشمندان از دیرباز دیدگاه‌های گسترده‌ای در باره عدالت بیان کرده‌اند. عدالت آیین پسندیدگان است. مردم و حکمرانان مردمی نیز همواره در پی برپایی عدالت بوده‌اند و آن را هدف و آرمان خود دانسته‌اند. همیشه و از سوی همه انسان‌ها ستم، ناپسند و عدالت، پسندیده شمرده شده است. از نخستین آموزه‌های انسانی پذیرفته شده در باورهای انسانی، اندیشه نیک است. به همین علت است که در نخستین اندیشه‌های ثبت شده انسانی از دستورات پادشاهان و قوانین آنان همچون قانون حمورابی و قانون کوروش و نخستین کتاب‌های آسمانی مانند کتاب‌های مقدس هندوها و زرتشتی‌ها، عدالت و پندار عادلانه مبنای خوبی شمرده شده است و در برخی اندیشه‌های دینی عدالت محور آفرینش از سوی خدا و یک مبنای اصلی حکم دینی دانسته شده است. با این وجود، اندیشمندان گوناگون تعریف‌های بسیار مختلفی برای عدالت ارایه کرده‌اند. بسیاری گفته‌اند عدالت مفهومی گسترده دارد. شاید بتوان گفت مفهوم عدالت گسترده نیست، بلکه دامنه کارکردی آن گسترده است که برداشت شده است مفهوم عدالت گسترده است. هر کسی که بخشی از مفهوم را درک کرده است، بر پایه همان بخش عدالت را تعریف کرده است. از این رو تعریف‌های عدالت با هم متفاوت شده است. برخی نیز به علت نادرستی اندیشه و درک نادرست از پایه‌های این مفهوم آن را نادرست تعریف کرده‌اند. برخی این تعریف‌ها را به اسلام و دین نسبت داده‌اند. نسبت دادن تعریف‌های نادرست به اسلام می‌تواند علت‌های گوناگونی داشته باشد. یک علت می‌تواند درک نادرست از اسلام باشد که اسلام را غیر از آنچه خدا فرستاده بدانند. علت دیگر می‌تواند درک نادرست از مفهوم عدالت در قران باشد. علت دیگر می‌تواند جستجوی این مفهوم در منابع دیگر باشد که با قران متفاوت جلوه کند. یک علت مهم نیز آن است که افرادی مفهومی از عدالت را پذیرفته‌اند و کوشش کرده‌اند آن را به اسلام نسبت دهند. برخی از این افراد نیز کوشش کرده‌اند مفهوم مورد پذیرش خود را با توجیه‌هایی از منابع دیگر یا حتی قران ارایه کنند. در هر صورت همه اینها بیراهه رفته‌اند. مفهوم درست عدالت با نگاه اسلامی را می‌بایست در قران جستجو کرد. هر چند برخی این مفهوم را در متن‌های دیگر اسلامی جستجو کرده‌اند و به نتیجه‌های متفاوت از قران رسیده‌اند، ولی آنچه روشن است اینکه هیچ نکته‌ای از هر متنی که مغایر با قران باشد، نمی‌تواند اسلامی دانسته شود و چنین متن‌هایی ارزش استناد به عنوان اسلام را ندارند.

بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان به عدالت پرداخته و درباره آن دیدگاه‌هایی ارایه کرده‌اند. هر اندیشمندی که از اندیشه خدادادی عادلانه‌تر بهره برده است و آن را بهتر به کار انداخته است، عدالت را بهتر درک کرده است و سخن او درباره عدالت پذیرفته‌تر شده است. گذری در اندیشه عدالت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

نشان می‌دهد آنان که بی‌راهه رفته‌اند گاهی عدالت را با ظلم یکی انگاشته‌اند و یا آن را انکار کردند و آنان که تلاش صادقانه کرده‌اند گوشه‌هایی از آن را روشن نموده‌اند.

در دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان عدالت به معناهای مختلفی مانند یک صفت اخلاقی، برابری، نیکی کردن به دیگران، کار نیک، رعایت شایستگی، انصاف، بی‌طرفی، دادن حق هر صاحب حق بیان شده است. نکته مهم اینکه، اینها با هم متفاوت هستند و در ارایه هر یک ادعا شده است که این دیدگاه اسلام در باره عدالت است. با نگاه ژرف به قران و دقت به این تعابیر می‌توان گفت که بسیاری از اینها عدالت قرآنی را نشان نمی‌دهد. شاید بتوان گفت بیشتر اینها برداشت ناقصی از عدالت قرانی را بیان می‌کنند. بیشتر اینها به جای تمرکز به معنای عدالت، برخی معانی دیگر واژه عدل را گرفته‌اند و آن را معنای عدالت قلمداد کرده‌اند. برخی نیز مصداق‌هایی از معنای قرانی عدالت را گرفته و به جای معنای کلی عدل قرار داده‌اند. قران برخی از اینها را به عنوان مصداق‌هایی از عدالت بیان کرده است. می‌توان گفت اینها قاعده کلی نیستند، بلکه در جایگاه مصداق بیان شده‌اند.

باید عدالت یک مفهوم مشخص باشد و نمی‌توان به قرآن این نسبت را داد که مفهوم نامشخصی را به کار برده است. این مفهوم مشخص بر مصداق‌های مختلفی تعلق می‌گیرد که قرآن در جاهای مختلفی به برخی از این مصداق‌ها اشاره کرده است. از این‌رو باید مفهومی را به عنوان عدالت پذیرفت که همه این مصداق‌ها را در بر بگیرد. در اینجا ادعا این است که با نگاه به قران می‌توان این مفهوم مشخص را دریافت، مفهومی که بر همه مصداق‌ها صدق کند. نوآوری این مقاله آن است که با استفاده از مبانی نظری معناشناسی، اشتباه‌های برداشت از معنای عدالت در قران و اسلام را تحلیل و طبقه-بندی می‌کند، همچنین با روش ساختگرای تحلیل مولفه‌های معنایی برپایه هم‌نشین‌های قرآنی عدل، مولفه‌های معنایی عدالت در قرآن را تبیین و تحلیل و بعد اقتصادی آن را برجسته می‌کند.

چارچوب این نوشتار پس از مقدمه، در بر گیرنده اشاره به روش بررسی و پیشینه است. پس از آن به تحلیل علت‌های اشتباه در برداشت مفاهیم قرآنی و ارایه نمونه‌هایی درباره مفهوم عدالت پرداخته می‌شود. آنگاه تحلیل با ریشه‌شناسی واژه عدل، تحلیل معناشناسی در قران شامل حوزه معنایی تصریح شده در قران، استخراج و تحلیل مولفه‌های معنایی عدالت در قران انجام و در پایان جمع‌بندی ارایه می‌شود.

۱. روش بررسی

در بخش نخست پس از پیشینه به تحلیل خطاهای برداشت از عدالت قرآنی و دسته‌بندی آنها برپایه مبانی نظری معناشناسی پرداخته خواهد شد. سپس به ریشه‌شناسی عدل پرداخته می‌شود. در پی آن آیه‌های دارای واژه عدل در قرآن استخراج می‌شوند. آنگاه با به‌کارگیری روش ساختگرای تحلیل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مولفه‌های معنایی بر پایه هم‌نشین‌های قرانی، به استخراج معنای قرانی عدالت در دو گام زیر پرداخته می‌شود:

۱. شناسایی همنشین‌های قرآنی عدل

۲. تحلیل مولفه‌های معنایی واژه عدل، هم‌نشین‌های و کارکردها و کاربرد آن در قران (صفوی، ۱۳۷۹).

۲. نگاهی به پیشینه عدالت در قران

در زمینه عدالت دیدگاه‌ها و بررسی‌های بسیار گسترده‌ای انجام شده است. در زمینه عدالت در اسلام نیز بررسی‌ها گسترده هستند. بیشتر اندیشمندان مسلمان در باره عدالت نظر داده‌اند. در باره عدالت در قران نیز بررسی‌های قابل توجهی شده است. در اینجا نگاهی به بررسی‌های منتشر شده در سال‌های اخیر در باره عدالت در قران خواهیم داشت. همچنین به برخی بررسی‌های مشابه نیز اشاره می‌کنیم.

هاشمی تنکابنی (۱۳۹۸) در مقاله خود می‌نویسد در قران تعدیل کردن، به مساوات رفتار کردن، رعایت انصاف در داوری و عوض دادن از معانی عدالت به شمار می‌آید. معناهای برابر، مقدار، دادگری، فدیه، تحریف ناپذیری و زوال ناپذیری از وجوه اسمی آن است.

در بررسی باادب برزگر و کاظمی‌تبار (۱۴۰۰) مفاهیمی چون عوض و بدل، فدیه، مثل، بدون زیاده و نقصان، عدالت، انصاف، صدق، شرک، مساوات و برابری، توازن و تعادل از وجوه معنایی واژه عدل در قران کریم بیان شده است و واژگانی چون قسط، احسان، صدق، تقوی و حق از حیث معنایی با واژه عدل مرتبط دانسته شده‌اند.

خسروپناه و همکاران (۱۳۹۳) عدالت در قران را به معنای رعایت تساوی، رعایت استحقاق و اهلیت، صداقت یا عمل مطابق با واقع، رعایت انصاف در صلح و آشتی دادن در چارچوب قوانین الهی، دوری از افراط و تفریط، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب، رعایت مصالح و مفاسد واقعی و رعایت قانون حق می‌دانند.

فرجی آرپناهی و همکاران (۱۳۹۹) عدالت قرانی را به معنای برابری، مساوات، درستی و انصاف می‌دانند.

پورمولا و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه می‌رسند که در دستگاه معناشناختی قرآن، واژه عدل با حفظ معناهای اصلی که ذاتی کلمه است با برخی دیگر از مفاهیم اخلاقی و دینی مانند قسط، حق، ایمان، علم، صدق و تقوی ارتباط معنایی دارد و ارتباط اینها را تبیین می‌کنند.

اخوان طبسی و داوری (۱۳۹۷) در صورت‌بندی مفهوم عدالت در قران کریم، قسط را دارای مولفه‌های معنایی قانون، حق و نصیب، حق و راستی می‌دانند و بیان می‌کنند قسط در قران کریم در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

حوزه احکام حقوقی، احکام قضایی، احکام معاملات اقتصادی و عدالت در کنش‌های اجتماعی به کار رفته است.

امین‌مقدسی و افصحی (۱۴۰۲) بیان می‌کنند بر پایه قران اجرای عدالت در جامعه نیازمند پایبندی به یک سری از رفتارها مانند پایبندی به حق، عدم باندبازی . . . و دوری از بعضی از رفتارها مانند پایمال کردن حق دیگران است.

فخر زارع (۱۳۹۸) بیان می‌کند قران رابطه ناگسستنی عدالت با حق و آزادی را همواره مورد توجه قرار داده است. حق به عنوان معیار مهم عدالت است و آزادی تامین کننده زمینه گسترش آن است.

خوش‌فر و رحمانی (۱۴۰۰) به این نتیجه می‌رسند که در قران عدل الهی در دو بخش اصلی شامل قبح ظلم به حکم عقل و محال بودن صدور قبیح از جانب خداوند است و سنّت که شامل قضاوت الهی بر اساس حق و عدالت قرار گرفته است. انواع عدل الهی نیز شامل عدل تکوینی (به حقّ خلق کردن عالم)، عدل تشریعی (نفی تکلیف خارج از توان انسان‌ها) و عدل جزایی (محفوظ بودن پاداش و جزای انسان‌ها متناسب با عمل‌شان) است.

اسکی و همکاران (۱۳۹۹) عدالت اجتماعی در قران را دارای ۳ بعد می‌دانند: برابری از مهمترین ابعاد و بلکه اصلی‌ترین معنای عدالت است. بعد دیگر قانون‌مندی است. توازن بعد سوم است. توازن با توزیع عادلانه ارتباط بسیار دارد.

عربشاهی کریزی (۱۳۹۵) رفتار منصفانه و معادل را دو معنایی می‌داند که بیشترین کاربرد را برای عدالت در قران داشته است و در بررسی خود معنای عدالت را معادل‌هایی چون برابری، دادگری، درستی و انصاف می‌گیرد.

اشاره به برخی بررسی‌ها که مبنای آنها قران نبوده، نیز مفید است.

توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹) ۴ قاعده کلی را نشانه‌های عادلانه بودن اقتصاد از دیدگاه اسلام می‌دانند: سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرایند تولید، حق برخورداری برابر، توازن نسبی ثروت و درآمد و قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن.

نظری (۱۳۸۳) عدالت در اسلام را به معنای احقاق حق می‌پذیرد، ولی توزیع برابر درآمد، تولید بیشتر را نیز بخشی از عدالت می‌داند.

حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰) می‌نویسد مفهوم صحیح عدالت اجتماعی عبارت است از رعایت حقوق اجتماعی و لازم الرعایه مردم و دولت در اعمال و روابط اجتماعی که اصطلاحا از آن به عنوان «اعطاء کل ذی حق حقه» تعبیر می‌شود.

اخلاقی (۱۴۰۰) در بررسی خود به این نتیجه می‌رسد که از منظر روایات عدالت به معنای اعطای حقوق هر شخص به تناسب صلاحیت، شایستگی و نیازمندی‌های واقعی آنها است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

یوسفی (۱۳۸۴) عدالت را احقاق حق می‌داند. بیشتر واژه شناسان معنای حق را نفع، امتیاز، سلطه فعلی، مالکیت، قدرت متکی به قانون، مصلحت و مانند اینها بیان کرده‌اند. چون مفهوم حق برای خدا هم آمده است، نفع، نمی‌تواند معنای درست قرانی حق باشد.

سرکش و آل‌عمران (۱۳۹۹) در بررسی خود شاخص برابری درآمد را معیار عدالت اسلامی گرفته-اند.

در مقاله فراهانی‌فرد (۱۳۹۱) عدالت تکوینی، به معنای متعادل بودن جهان خلقت و برخورداری همه مخلوقات از ظرفیت متناسب با خود می‌باشد، به‌گونه‌ای که بتوانند در جهت هدف نهایی خود حرکت کنند.

افضلی (۱۳۹۳) در بررسی خود، عدالت از دیدگاه حضرت علی ع را به معنای میزان، اعتدال، حقانیت و راستی، جور ستیزی، انصاف و متضاد بغی و عدوان، ظلم و جور دانسته است.

همچنین در ایران به صورت عملیاتی، چند شاخص ترکیبی برای عدالت با ادعای اسلامی بودن تدوین و اندازه‌گیری شده است. در اینجا به مبنای مفهومی عدالت در این شاخص‌ها اشاره می‌کنیم.

عزتی (۱۳۹۳) عدالت را به معنای دادن حق هر کسی به او گرفته بر پایه این مفهوم حقوق همگانی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی را استخراج و بر پایه این حقوق شاخصی ترکیبی ساخته و برای ۸ سال محاسبه و تحلیل کرده است. این شاخص با معیار گرفتن مفهوم حق به مفهوم قرانی نزدیک است.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵) بنابه تعریف خود، در راستای برابری و یکسانی حقوق و سهم‌ها، حرکت کرده است و با ورود حق استفاده بهینه از اموال افزوده‌ای به تبیین شاخص‌های فقر در ایران داشته است.

یوسفی شیخ‌رباط و زندیه (۱۳۹۵) فقر و نابرابری را معیار عدالت از دیدگاه حضرت علی ع می‌دانند و بر آن پایه شاخصی ساخته و وضعیت ایران را تحلیل می‌کنند. نقص این شاخص نیز ندیدن حق و معیار قرانی عدالت در شاخص است.

شاکری و دیگران (۱۳۹۸) مولفه های عدالت اسلامی را چنین بر می‌شمارند: توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید براساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت و توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه و بر پایه اینها شاخصی برای عدالت، اندازه‌گیری و تحلیل می‌کنند.

خاندوزی (۱۳۹۸) با استفاده از مؤلفه‌های محیط‌زیست، امنیت ملی و بررسی بازارها، در ساخت شاخص‌های عدالت در ایران افزوده داشته است، ولی از جهت تعدد متغیرهای تعریف شده و محور ویژگی‌های این شاخص برابری است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

عزتی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی و نقد این شاخص‌ها پرداخته‌اند و بیان می‌کنند برخی از اینها مفهوم عدالت را به سمت برابری درآمدها و دارایی‌ها برده‌اند که مفهومی دور از عدالت قرآنی است.

چنانچه مشاهده می‌شود برداشت‌های متفاوتی از عدالت در قران و اسلام وجود دارد. به نظر می‌رسد نمی‌تواند همه این برداشت‌های متفاوت درست باشد. بی شک برخی از این برداشت‌ها دقت کافی را ندارند که چنین تفاوت‌هایی در برداشت از قران و اسلام صورت گرفته است. در ادامه به علت‌های اصلی اشتباه در برداشت عدالت در قران اشاره می‌کنیم.

۳. تحلیلی بر علت‌های اشتباه در برداشت از قران

متخصصان در زبان تخصصی قران، علت‌های اصلی اشتباه در برداشت معنایی از واژگان قران را در ۶ دسته بیان کرده‌اند: بدفهمی ناشی از تطورپذیری، بدفهمی ناشی از خودکار شدگی، بدفهمی ناشی از پیچیدگی، بدفهمی ناشی از اشتراک، بدفهمی ناشی از تفاوت‌های گفتمانی و بدفهمی ناشی از ترجمه محوری (شجاعی و اخوان طبسی، ۱۴۰۰، ۲۵-۴۶). برای زمینه‌سازی بهتر در تحلیل و نتیجه‌گیری نمونه‌هایی از اشتباه‌های برداشت مفهوم عدل و قسط در قران و اسلام را در چارچوب این دسته‌بندی ارایه می‌کنیم.

۳,۱. تطورپذیری

ممکن است اصطلاحات در طول زمان تغییر معنا دهند. اگر به این تغییر دقت نکنیم ممکن است یک معنای کهنه را که امروز رایج نیست به کار ببریم یا اینکه معنای امروزین را به عنوان معنای قرانی به کار ببریم. به این خطای در معنا، بدفهمی ناشی از تطورپذیری گفته می‌شود. نمونه آن در باره عدالت دیدگاه‌هایی است که عدالت در اسلام و بر پایه قران را برابری درآمدی یا مصرفی می‌دانند. در این زمینه نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود از مهمترین آنها می‌توان به دیدگاه سید قطب و حکیمی و نمود آن در برخی مقاله‌های یاد شده در بالا اشاره کرد.

سید ابراهیم حسین شاذلی قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۷ ق.) در کتاب عدالت اجتماعی در اسلام دیدگاه‌های خود را در این زمینه به قلم کشیده است. ایده محوری اندیشه‌های او درباره عدالت، برابری انسان‌ها است (سید قطب، ۱۳۹۲). محمدرضا حکیمی (۱۳۱۴ – ۱۴۰۰ ش.) و همکاران در مجموعه الحیات با استفاده از آیات و روایات تلاش کرده است دیدگاه خود درباره اقتصاد را تبیین کند. او عدالت را هدف اسلام و مبنای احکام اقتصادی اسلام می‌داند (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۰-۳۲). می‌گویند برداشت آنها از عدالت بر معنای توازن اجتماعی، پایدار شده است. آنها شکاف و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

تفاوت درآمدی و ثروتی را به معنای نامتوازن شدن و همان بی‌عدالتی می‌دانند. جامعه عادلانه‌تر از دیدگاه ایشان جامعه‌ای است که دارایی و مصرف مردم همسان‌تر (مساوات و مواسات) باشد (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۷ و ج ۶، ۱۵۳). دیدگاه حکیمی در نوشته‌های دیگر اندکی تغییر کرده است و برابری در مصرف را ملاک عدالت اسلامی می‌داند (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۳، ۶۰).

با نگاهی به دیدگاه‌های تاریخی می‌توان دریافت که برابری درآمدی یا مصرفی هیچگاه معیار عدالت در اسلام و قران نبوده است. این دیدگاه تنها در دوره معاصر و تحت تاثیر دیدگاه‌های کمونیستی، به عنوان معیاری برای عدالت خوانده شده است. این همان استفاده از معنای تطور یافته به جای عدالت قرانی است.

همچنین می‌توان برداشت محمدباقر صدر (۱۳۱۲-۱۳۵۹ش.) در باره عدالت به معنای عدالت اجتماعی را در این جمله دید که می‌نویسد منظور از بی‌نیاز کردن افراد کمک مالی دولت به فرد و خانواده او است (صدر، ۱۳۵۹، ۳۳۲-۳۳۳). این یک مفهوم ویژه و برداشت شخصی امروزین در برخی اندیشه‌ها است. زیرا به صورت روشن می‌توان گفت در قران هیچ جایی عدل به این معنا دیده نمی‌شود.

۳,۲. خودکار شدگی

از آنجایی که اصطلاحات علمی بسیاری به صورت مشترک توسط اندیشمندان به کار گرفته می‌شود، به مرور زمان این اصطلاحات، در ذهن افراد معنایی منجمد پیدا می‌کنند. این معنای منجمدشده از دو سو موجب اختلال در فهم می‌شود: اول اینکه موجب غفلت از ظرایف، زوایا و ابعاد جامع مفهوم می‌شود و دوم آنکه باعث اظهار نظری به روز نشده از مفهوم می‌گردد. یکی از راه‌های آشنایی زدایی از اصطلاح، تحلیل لغوی و ریشه‌ای آن و بازگشت به معنای پیشا اصطلاحی آن است. بیشتر اصطلاحات پیش از آنکه به مثابه یک اصطلاح ساخت یابند، کاربردهایی عرفی و روزمره داشته‌اندکه همان معنای لغوی آنها است. مولفه‌هایی که حاصل از معنای واژگانی هستند همواره در اصطلاح هم حضور دارند. نمونه این انجماد، انجماد معنای قسط برابر عدل است که این موجب نادیده گرفته شدن ظرافت‌هایی است که در معنای قسط در برابر عدل است. در بیشتر ترجمه‌ها و تفسیرهای قران مانند این خطا رخ داده و قسط همان عدل دیده شده و درآیه‌های مختلفی همان عدل و داد ترجمه شده است (نگاه کنید به الهی قمشه‌ای، المیزان، طبری، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری، ارفع و دیگر ترجمه و تفسیرها زیر آیه‌های بقره ۲۸۲، آل عمران ۱۸ و ۲۱، نساء ۳، ۲۷، ۱۲۷ و ۱۳۵، مائده ۸ ، ۴۲ و ۱۵۲ و مانند اینها).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳،۳. پیچیدگی

برخی از اصطلاحات به سبب آنکه در پرتو مساله‌ای پیچیده شکل گرفته‌اند و یا درپی ارایه مرزهایی باریک میان دو یا چند امر شبیه به هم هستند، حتی برای اهالی دانشی که اصطلاح در آن حوزه شکل گرفته است نیز پیچیده و سخت فهم است. از این رو حتی برخی متخصصان در مواجهه با این مفهوم‌های پیچیده به سبب غفلت از زمینه‌های پیچیدگی، دچار بدفهمی می‌شوند. فهم از دو سو بد می‌شود: یکی فهم اشتباه و دیگری انعکاس ناقص مفهوم. در باره عدالت این پیچیدگی وجود دارد و به همین علت هر کسی برای آن معنایی قایل شده است. برای نمونه به چند برداشت متفاوت در باره عدالت از دیدگاه اسلامی اشاره می‌کنیم.

ابونصر محمد فارابی (۲۵۷/۲۵۹-۳۳۹ ق.) عدالت را رعایت شایستگی افراد می‌داند. محمد بن احمد (مشهور به ابن مسکویه) (۳۲۵-۴۲۱ ق.) اندیشمند دیگر ایرانی عدالت را قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش و دادن حق هر صاحب حقی به او و پایدار کردن روابط بین پدیده‌ها بر پایه عدالت آفرینش می‌داند (عیوضلو، ۱۳۸۴، ۵۵-۵۷). محمد نصیرالدین طوسی (۶۷۰-۷۵۵ ق.) دیدگاهی مانند ابن مسکویه اما کلی‌تر از آن دارد. او به گونه‌ای قرار دادن هر چیزی در جایگاه خود را عدالت می‌داند و جایگاه هر چیزی را بهترین شکل آن چیز می‌داند به گونه‌ای که بسیاری از خوبی‌ها را در عدالت می‌گنجاند، مانند: راستی، نزدیکی و محبت، وفاداری، مهربانی، دیدار نزدیکان، مکاتبات، نیکی، شرکت، دوستی، تسلیم در برابر خدا، توکل به خدا، پرستش خدا و همچون اینها (طوسی، ۱۳۴۶، ۷۹).

مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش.) دیدگاه‌های خود درباره عدالت را در چند کتاب و نوشته خود ارایه می‌کند. در کتاب عدل الهی به شکل گسترده به مفهوم و جنبه‌های عدالت پرداخته است (مطهری،). در جای دیگر نقل شده است که عدالت را به معنای مساوات برای انسان‌ها، در برابر تبعیض به عنوان بی عدالتی می‌پذیرد (مطهری ۱۴۰۳، ۱۵۷)، مطهری در جای دیگری برای عدالت سه معنا ذکر کرده است: ۱. موزون بودن، برای مثال مجموعه‌ای که در آن اجزا و ابعاد مختلف به کار رفته است، باید در آن، شرایط معینی از حیث مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزا با یکدیگر مراعات شود، ۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض، ۳. رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی‌حقی، آنچه که استحقاق آن را دارد (مطهری، ۱۳۵۷، ۶۴-۵۹).

محمد باقر صدر تلاش می‌کند بر پایه مستندات دینی عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی را تبیین کند. او عدالت را پایه‌ای‌ترین ویژگی در اقتصاد اسلامی و یک اصل اسلام و بر پایی آن را پایه‌ای‌ترین هدف اقتصاد می‌داند. وی برای عدالت اجتماعی، جنبه اخلاقی عدالت در اسلام و جنبه حکومتی عدالت را پایه می‌داند و می‌نویسد عدالت اجتماعی در اسلام بر دو زیرساخت پایه‌ریزی شده است: یکی توازن اجتماعی و دیگری همکاری همگانی(صدر، ۱۳۵۰، ج ۱، ۳۶۳-۳۶۸).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

این گوناگونی برداشت‌ها از مفهوم عدالت می‌تواند ناشی از پیچیدگی باشد. چنانچه در پیشینه نیز دیدیم برداشت‌ها بسیار متفاوت هستند.

۳,۴. اشتراک

دو نوع اشتراک لفظی و اشتراک معنایی داریم. واژه عدل چند معنا دارد که یکی از آنها عدالت است. در اینجا اشتراک لفظ موجب می‌شود عدالت را به معناهای دیگر واژه عدل برداشت کنند. برای نمونه خسروپناه و همکاران چنین بیان می‌کنند عدالت در قران به معنای: رعایت تساوی، رعایت استحقاق و اهلیت، صداقت یا عمل مطابق با واقع، رعایت انصاف در صلح و آشتی دادن در چارچوب قوانین الهی، دوری از افراط و تفریط، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب، رعایت مصالح و مفاسد واقعی و رعایت قانون حق آمده است. در اینجا ایشان به علت اشتراک لفظی واژه عدل، همه معناهای واژه عدل را به جای یک معنای آن که عدالت است قرار داده‌اند (خسروپناهو همکاران، ۱۳۹۳، ۴۹-۷۴). چنانچه دیدیم برخی دیگر مانند هاشمی تنکابنی (۱۳۹۸) و باادب برزگر و کاظمی‌تبار (۱۴۰۰) نیز همین‌گونه برداشت کرده‌اند. همچنین برخی به علت وجود اشتراک معنایی، واژه قسط را نیز معادل عدل در نظر گرفته و همه معانی آن را بر عدل بار کرده‌اند (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۹-۷۴). این اشتراک معنایی میان عدل و قسط موجب شده است بیشتر مترجمان و مفسران قران نیز در جاهای مختلف قسط را با عدل یکی گرفته‌اند (نگاه کنید به الهی قمشه‌ای، المیزان، طبری، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری، ارفع و دیگر ترجمه و تفسیرها زیر آیه‌های بقره ۲۸۲، آل عمران ۱۸ و ۲۱، نساء ۳، ۲۷، ۱۲۷ و ۱۳۵، مائده ۸ ، ۴۲ و ۱۵۲، یونس ۴، ۴۷ و ۵۲، حدید ۲۵، ممتحنه ۸ و مانند اینها).

۳,۵. تفاوت‌های گفتمانی

از منظر فلسفه علمی گفتمان یک علم روح حاکم بر آن علم تلقی می‌شود، به همین علت همواره باید مفاهیم موجود در علوم مختلف را بر اساس گفتمان مسلط بر آنها درک نمود. بی توجهی به گفتمان یک دانش باعث فهم وارونه و نااستوار می‌شود. یک نمونه مهم در این زمینه واژه اقتصاد است که در گفتمان علمی به معنای یک شاخه علمی به نام اقتصاد و برابر واژه اکونومیکس است، ولی در دانش قران و حدیث به معنای میانه‌روی است. برخی نا آشنایان به گفتمان علم اقتصاد این اشتباه را کرده‌اند و اقتصاد را علم میانه‌روی بیان کرده‌اند. در باره عدالت نیز چنانچه مشهود است فارابی (۱۳۷۹)به عنوان یک متکلم عدالت را به ماهیت تعبیر می‌کند، ابن مسکویه (۱۳۹۷) و خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۴۶) در نوشتارهای اخلاقی خود آن را به عنوان هر کار نیک و شایسته تعبیر می‌کنند. همچنین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مطهری (۱۳۵۷) و صدر (۱۳۵۰) کوشش می‌کنند در گفتمان علوم اجتماعی امروزین آن را توضیح دهند که عدالت را با تعبیرهایی مانند توازن اجتماعی همراه می‌کنند. افزون بر اینها متخصصان اقتصاد به جنبه‌های اقتصادی توجه کرده‌اند و بیشتر مفهوم عدالت را به موضوع درآمد و توزیع آن تعبیر کرده‌اند، مانند توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹)، نظری (۱۳۸۳)، سرکش و آل‌عمران (۱۳۹۹)، سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۵) و یوسفی شیخ‌رباط و زندیه (۱۳۹۵) و متخصصان رشته‌های دیگر به جنبه‌های دیگر تعبیر کرده‌اند، مانند اخوان طبسی و داوری (۱۳۹۷)، فخر زارع (۱۳۹۸)، عربشاهی کریزی (۱۳۹۵)، اخلاقی (۱۴۰۰). بر این پایه تفاوت گفتمانی و جریان‌های فکری رایج نیز یکی از عوامل مهم در خطاهای برداشت از قران است که بسیاری از افراد به جای وارد شدن در قران و درک اسلام از روی آن به برداشت‌ها و گفتمان‌های رایج در زمان خود و یا دیدگاه اندیشمندان دیگر رجوع می‌کنند و می‌کوشند عدالت قرانی و اسلامی و مفهوم‌های مانند آن را به جای مبدا قران، از گفتمان‌های دیگر و یا از حوزه تخصصی دیگری تعریف کنند و به اسلام و قرآن نسبت بدهند.

۳,۶. ترجمه محوری

بسیاری از اصطلاحات ترجمه‌ای انعکاس تام مفاهیم زبان مبدا در زبان مقصد نیست، بلکه خود تفسیری از مراد متن مبدا به حساب می‌آید. می‌توان گفت یکی از اشکال‌ها تطبیق غیر دقیق واژه‌های زبان‌های مختلف با هم است. برای نمونه در برگردان دو واژه عربی عدل و قسط به فارسی، یک واژه داد یا عدالت به کار می‌رود (شجاعی و اخوان طبسی، ۱۴۰۰). این مساله در همه ترجمه‌های قرانی نیز دیده می‌شود (برای نمونه نگاه کنید به الهی قمشه‌ای، المیزان، طبری، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری، ارفع و دیگر ترجمه و تفسیرها زیر آیه‌های ۹ حجرات، ۲۸۲ بقره ، ۳، ۲۷، ۱۲۷ و ۱۳۵ نساء، ۸ و ۱۵۲ مائده و مانند اینها). در برگردان واژه عدل به معنای عدالت نیز دیده می‌شود که برخی با برداشت محدود عدالت را به عنوان برابری درآمد معنا کرده‌اند، در حالی که این معنا در تعبیر عدالت قرانی دیده نمی‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل واژه عدل و مفهوم عدالت در قران

۴,۱. واژه شناسی عدالت

در واژه‌شناسی به شناسایی معنای واژه در زبان مورد نظر و نیز زبان‌های دیگر پرداخته می‌شود. در اینجا به معنای عدالت آن در عربی، فارسی و انگلیسی اشاره می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

فراهیدی چند معنای واژه عدل را چنین بیان می‌کند: راستی، درستی، دادگری، میانه‌روی، مساوات، استقامت، حکم به حق، برابری و قرار دادن هر چیز در جای خود (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج۲، ۳۹).

ابن‌منظور می‌گوید عدل آن چیزی است که فطرت انسان حکم به درستی آن کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۴۱۴). این معنا را برخی واژه‌شناسان دیگر نیز پذیرفته‌اند (خوری شرتونی، ۱۳۸۵؛ ج ۳، ص ۴۹۴).

ابن‌منظور معنای مقابل ظلم و جور بودن را نیز برای عدالت بیان می‌کند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۴۱۴). افزون بر او دیگران نیز این معنا را بیان کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۸ ق، ۱۱۵۴؛ خوری شرتونی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۴).

واژه عدل در عربی چند معنا دارد. راغب اصفهانی یک معنای اصلی عدل را برابری می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۳۲۵-۳۲۶). افزون بر راغب دیگر لغت‌شناسان نیز معنای مساوات و برابری را پذیرفته‌اند (ابن فارس، ۱۴۱۰ ، ج ۴، ص ۲۴۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۲۱).

منجدالطلاب همه این معناها را برای واژه عدل یکجا بیان می‌کند: عدالت، داستی، درستی، عادل، نظیر، همتا، پاداش، میانه‌روی، مساوات، برابری، لنگه، پیمانه و مانند اینها (بستانی، ۱۳۷۴، ۳۵۲)

لغتنامه دهخدا برای عدل با فتحه ع یعنی عَدل، معنای انصاف، داد، عدالت و معدلت و برای عدل با کسره ع یعنی عِدل، معنای عوض، بدل، معادل، مقابل و برابر را بیان کرده است و معادل عربی آن را عدالهٔ، عدل، انصاف، قاض، استقامهٔ و اعتراف بحق بیان کرده است. در این لغت‌نامه برای عدالت نیز مترادف‌های انصاف، برابری، داد، دادگری، دادگستری، عدل، معدلت، منصفی ارایه شده است.

[عَ] (ع اِمص) مقابل ستم، مقابل بیداد، داد (دستوراللغهٔ). مقابل جور، ضد جور، نقیض جور (منتهی الارب) (اقرب الموارد). مقابل ظلم، نصفت، قسط، عدالت، انصاف، امری بین افراط و تفریط (از قطرالمحیط) (از اقرب الموارد). مساوات در مکافات به نیکی نیکی و به بدی بدی،داوری به حق، مساوی آزرم و برای عِدل [عِ] (ع اِ) عوض، بدل، معادل، مقابل و برابر را بیان کرده است (لغت‌نامه دهخدا).

معین در فرهنگ خود, عدل را به معنای درست، دقیق و راست معنا می‌کند و عدالت را به معنای عادل بودن، انصاف داشتن و دادگری بیان می‌کند (معین، ۱۳۸۸، زیر عدل).

از مجموع نظر واژه‌شناسان می‌توان این معنا را برداشت کرد که واژه عدل در زبان عربی به چند معنا به کار می‌رود که یکی از آنها عدالت به معنای داد و دادگری است که برخی معناهای دیگر هم به آن باز می‌گردد، مانند برابر دانستن افراد در بسیاری از جاها، مقابل ستم بودن، راستی و درستی، حکم به حق، قراردادن هر چیزی در جایگاه خود که همگی کاربردهای عدالت در جایگاه‌های ویژه هستند. معناهای دیگر هم خاص است و کاربردهای دیگری غیر از عدالت دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

در زبان انگلیسی برای بیان مفهوم عدالت از واژه Justice استفاده می‌شود. این واژه در دیکشنری وبستر[1] به معنای عدالت، داد، انصاف، درست، بی‌طرفی و مطابق واقعیت و در دیکشنری کمبریج[2] به معنای عدالت، داد، درست، مطابق قانون، واقعیت، برابری و حق به کار رفته است. منابع دیگر نیز مانند اینها با اندکی تفاوت این واژه را معنا کرده‌اند.

بر این پایه واژه عدل چند معنا دارد که یکی از آنها عدالت است و عدالت در معنای کلی به زبان انگلیسی نیز همین معناهای فارسی و عربی را دارد. این یک مفهوم کلی جهانی است.

۴،۲. تحلیل معناشناسی عدالت در قران

۴،۲،۱. حوزه معنایی تصریح شده عدل در قران

عدل در قران به چند معنا به کار رفته است که یکی از آنها عدالت یا همان داد است. تفلیسی عدل در قرآن را دارای هفت معنا می‌داند: درستی (نساء/ ۵۸)، بدل (بقره/ ۴۸)، مانند (مائده/ ۹۵)، برابری (انعام/ ۱) گردیدن (نساء/ ۱۳۵)، دادگری (مائده/ ۸) و نیکوکاری (مائده/ ۹۵) (تفلیسی، ۱۳۸۶، ۳۲۱). با این وجود با دقت در معنای قرانی عدل می‌توان گفت برخی از این معناهای برداشتی مترادف هم هستند و می‌توانند یکی دانسته شوند.

واژه عدل و ریشه آن ۲۸ بار در قران به کار رفته است. در برخی آیه‌ها بیش از یک بار و همه آیه‌های قران که در آن واژه‌هایی با ریشه عدل به کار رفته ۲۲ آیه است. مترجمان و مفسران قران، در ۵ جا آن را به معنایی غیر از عدالت به کار برده‌اند. مترجمان عدل را در آیه‌های ۴۸ و ۱۲۳ سوره بقره مابه‌ازا و معادل ترجمه کرده‌اند. در آیه‌های ۱ و ۱۵۰ سوره انعام این واژه به معنای همتراز، برابر یا معادل ترجمه شده و در آیه ۶۰ سوره نمل نیز به معنای کوتاه آمدن و عدول کردن از حق گرفته شده است. البته در این آیه‌ها هم می‌توان با تعمق بیشتر ریشه عدالت را دید. اینجا وارد بحث ترجمه نمی‌شویم. غیر از آیه‌های یاد شده، در ۱۸ آیه با ۲۱ تکرار از واژه با ریشه عدل مترجمان و مفسران منظور قران را عدالت، داد و دادگری بیان کرده‌اند.

۴،۲،۲. استخراج هم‌نشین‌های عدل در قرآن

با درنظر گرفتن معنای تصریح شده برای واژه عدل به عنوان عدالت می‌توان ۱۸ آیه با ۲۱ تکرار از واژه را در این دسته به عنوان آیه‌های عدالت قرار داد. آیه‌های قران که در آنها واژه عدل به معنای

1 Merriam-Webster
2 Cambridge Dictionary

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

عدالت به کار رفته است، همراه با معنا، موضوع، پایه و هم‌نشین‌های عدل به معنای عدالت در جدول ۱ ارایه می‌شود تا بتوان معنای بهتری از عدالت در قران را به دست آوریم.

جدول ۱. آیه‌های عدل به ترتیب زمان نزول

سوره/آیه	متن آیه	معنا	ابعادموضوعی	پایه‌عدل	هم‌نشین‌ها	ویژگی اقتصادی
طلاق/۲	فَإِذا بَلَغنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمسِكوهُنَّ بِمَعروفٍ أَو فارِقوهُنَّ بِمَعروفٍ وَأَشهِدوا ذَوَي عَدلٍ مِنكُم وَأَقيمُوا الشَّهادَةَ لِلَّهِ ذٰلِكُم يوعَظُ بِهِ مَن كانَ يُؤمِنُ بِاللَّهِ وَاليَومِ الآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجعَل لَهُ مَخرَجًا	درست، درست-کاری	شهادت دادن، اخلاقی، قضایی، برای خدا		برای تقواداران و مومنان موعظه است، عادل ویژگی انسان	شاهد طلاق باید عادل باشد، برای خدا شهادت دهد.
	پس وقتی به اواخر عده رسیدند یا این است که به خوبی و خوشی آنان را نگاه می‌دارید و یا به خوبی و خوشی از آنان جدا می‌شوید و در هر حال دو نفر از مردم خود را که معروف به عدالت باشند شاهد بگیرید و شاهد هم برای خدا اقامه شهادت کند، اینها که به شما گفته شد اندرزهایی است که افرادی از آن موعظه می‌شوند که به خدا و روز جزا ایمان دارند و کسی که از خدا بترسد خدا برایش راه نجاتی از گرفتاریها قرار می‌دهد					
مائده/۹۵	يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا لا تَقتُلُوا الصَّيدَ وَأَنتُم حُرُمٌ وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُتَعَمِّدًا فَجَزاءٌ مِثلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحكُمُ بِهِ ذَوا عَدلٍ مِنكُم هَديًا بالِغَ الكَعبَةِ أَو كَفّارَةٌ طَعامُ مَساكينَ أَو عَدلُ ذٰلِكَ صِيامًا لِيَذوقَ وَبالَ أَمرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمّا سَلَفَ وَمَن عادَ فَيَنتَقِمُ اللَّهُ مِنهُ وَاللَّهُ عَزيزٌ ذُو انتِقامٍ	درست، جزای متناسب و عادلانه عمل	موضوع حکم برای تعیین جزای کار حرام عبادی، اخلاقی		عادل ویژگی (صفت) انسان (دارنده عدل)	اینجا تعیین مصداق حکم شرعی است که حکم دهنده آن باید عادل باشد. حکم جایگزین عادلانه
	ای کسانی که ایمان آوردید شکار را نکشید در حالی که شما در احرامید و کسی که از شما عمدا شکاری بکشد کفاره آن نظیر همان شکار است از چهارپایان اهلی، دو نفر از شما که صاحب عدالتند حکم به آن می‌کنند، در حالی که آن کفاره را هدی قرار داده و آن را به کعبه می‌رساند یا اینکه کفاره‌اش طعام دادن به مسکینان و یا به جای اطعام هر مسکین یک روز روزه است تا بچشد کیفر نافرمانی خود را خداوند گناهان گذشته را عفو کرده است و اگر کسی دو باره چنین معصیتی کند پس خدا از او انتقام می گیرد و خداوند عزیز و انتقام گیر است					
مائدۀ/۱۰۶	يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا شَهادَةُ بَينِكُم إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ المَوتُ حينَ الوَصِيَّةِ اثنانِ ذَوا عَدلٍ مِنكُم أَو آخَرانِ مِن غَيرِكُم إِن أَنتُم ضَرَبتُم فِي الأَرضِ فَأَصابَتكُم مُصيبَةُ المَوتِ تَحبِسونَهُما مِن بَعدِ الصَّلاةِ فَيُقسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارتَبتُم لا نَشتَري بِهِ ثَمَنًا وَلَو كانَ ذا قُربىٰ وَلا نَكتُمُ شَهادَةَ اللَّهِ إِنّا إِذًا لَمِنَ الآثِمينَ	درست / مطابق واقع	گواهی (شهادت) دادن، اخلاقی، اقتصادی		تخلف در شهادت درست (عدل) گناه است. عادل ویژگی انسان (دارنده عدل)	وصیت یک موضوع عمدتا اقتصادی است شاهد آن باید عادل باشد، و شهادت خود را به قیمتی هرچند منافع نزدیکان نفروشد
	ای کسانی که ایمان آوردید شهادتی که برای یکدیگر در حال احتضار و هنگام ادای وصیت تحمل می کنید می باید که دو تن عادل از شما یا دیگران آن را تحمل کنند و اگر مصیبت مرگ، شما را در سفر پیش آید و دو نفر مسلمان نیافتید تا وصیت شما را تحمل کنند، دو نفر از کفار را شاهد بگیرید و در صورتی که ورثه در باره این دو شاهد سوء ظنی داشتند آنان را بعد از نماز بازداشت کنید تا سوگند یاد کنند که ما شهادت خود را بمنظور سود مادی اگر چه رعایت جانبداری از خویشان باشد تحریف نکرده و شهادت خدای را کتمان نکرده ایم چه می دانیم که اگر چنین کنیم از گنه کاران خواهیم بود					
انفطار۷	ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ		آفرینش‌انسان		عدالت‌کردن، نیکو پرداختن	عدالت کلی آفرینش انسان
	پروردگاری که تو را آفریده، پرداخته و در خلقت تو عدالت کرده					

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مائده/۸	يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا كونوا قَوّامينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالقِسطِ وَلا يَجرِمَنَّكُم شَنَآنُ قَومٍ عَلىٰ أَلّا تَعدِلوا اعدِلوا هُوَ أَقرَبُ لِلتَّقوىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما تَعمَلونَ	درست و واقع	شهادت عادلانه و به‌قسط، اخلاقی	برپایه قسط	نزدیک تقوا، هوا و دشمنی علت بی‌عدالتی	کلی است
	هان ای مردمی که ایمان آوردید در آنجا که هوای نفس وادارتان می کند تا به انگیزه دشمنی، بنا حق شهادت دهید به خاطر خدا قسط را بپا بدارید، و دشمنی با اشخاص و اقوام شما را به انحراف از حق نکشاند، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است، و از خدا بترسید که خدا از آنچه می کنید با خبر است					
اعراف/۱ ۵۹	وَمِن قَومِ موسىٰ أُمَّةٌ يَهدونَ بِالحَقِّ وَبِهِ يَعدِلونَ	رعایت حق		برپایه حق	هدایت به حق	با توجه به آیه قبل هدایت الهی، حق است
	و از قوم موسی گروهی هستند که به حق هدایت می یابند و به حق دادگری می‌کنند.					
نحل/۹۰	إِنَّ اللَّهَ يَأمُرُ بِالعَدلِ وَالإِحسانِ وَإيتاءِ ذِي القُربىٰ وَيَنهىٰ عَنِ الفَحشاءِ وَالمُنكَرِ وَالبَغيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُم تَذَكَّرونَ		عدل کلی		دستور خدا، نیکی، کمک به نزدیکان، دوری از فحشا، تجاوز از حدود، موعظه	موضوع کلی است ولی همراه کارهای اخلاقی اقتصادی و غیراقتصادی آمده است
	خدا به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشان فرمان می دهد و از کار بد و ناروا و ستمگری منع می کند، پندتان می دهد شاید اندرز گیرید					
اعراف/۱ ۸۱	وَمِمَّن خَلَقنا أُمَّةٌ يَهدونَ بِالحَقِّ وَبِهِ يَعدِلونَ	رعایت حق	عدالت برپایه حق	برپایه حق	هدایت به حق	با توجه به آیه قبل هدایت الهی، حق است
	از کسانی که آفریده ایم جماعتی هستند که به حق هدایت می کنند و به آن دادگری می‌کنند					
نحل/۷۶	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَينِ أَحَدُهُما أَبكَمُ لا يَقدِرُ عَلىٰ شَيءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلىٰ مَولاهُ أَينَما يُوَجِّههُ لا يَأتِ بِخَيرٍ هَل يَستَوي هُوَ وَمَن يَأمُرُ *بِالعَدلِ* وَهُوَ عَلىٰ صِراطٍ مُستَقيمٍ				دستور انسان درست‌کار، راه درست، مخالف انسان بی‌فایده	با آیه قبل، خدا آمر عدل را مانند انسان توانمند که به دیگران روزی می‌رساند و مقابل انسان سربار دیگران می‌داند که سودی ندارد
	خدا مثالی می زند، دو مرد یکیشان لال است که به هیچ چیز توانایی ندارد و سربار مولای خویش است که هر جا فرستدش سودی نیارد او با کسی که به عدالت فرمان دهد و به راه راست رود چگونه برابر تواند بود.					
نساء/۵۸	إِنَّ اللَّهَ يَأمُرُكُم أَن تُؤَدُّوا الأَماناتِ إِلىٰ أَهلِها وَإِذا حَكَمتُم بَينَ النّاسِ أَن تَحكُموا بِالعَدلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ سَميعًا بَصيرًا		حکم دادن بین مردم		دستور خدا، بازگرداندن امانت، موعظه	دادن حکم میان مردم که همراه یک کار اخلاقی و دادن حق اقتصادی دیگران آمده است
	خدا دستور مؤکد به شما می دهد که امانت مردم را به آنان برگردانید، و چون بین مردم داوری کنید به عدل حکم برانید، که خدا با اندرز خوبی شما را پند می دهد چون او در هر لحظه شنوا و بینای کار شما است.					
حجرات ۹/	وَإِن طائِفَتانِ مِنَ المُؤمِنينَ اقتَتَلوا فَأَصلِحوا بَينَهُما فَإِن بَغَت إِحداهُما عَلَى الأُخرىٰ فَقاتِلُوا الَّتي تَبغي حَتّىٰ تَفيءَ إِلىٰ أَمرِ اللَّهِ فَإِن فاءَت فَأَصلِحوا بَينَهُما *بِالعَدلِ* وَأَقسِطوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ المُقسِطينَ		در اصلاح میان دو طایفه و مردم		جلوگیری از تجاوز، تسلیم امر خدا شدن، خدا دوست دارد	عدالت کلی است. هنگام عدل کردن قسط کنید. به نظر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

	اگر دو طائفه از مؤمنین به جان هم افتادند بینشان اصلاح کنید پس اگر معلوم شد یکی از آن دو طائفه بر دیگری تجاوز می‌کند با آن طائفه کارزار کنید تا به حکم اجبار تسلیم امر خدا شود و اگر به سوی خدا برگشت بین آن دو طائفه به عدل اصلاح کنید (و باز هم توصیه می کنم که) عدالت را گسترش دهید که خدا عدالت گستران را دوست می دارد.						می‌رسد قسط شیوه-ای در عدالت است.
نساء/۳	وَإِن خِفتُم أَلّا تُقسِطوا فِي اليَتامى فَانكِحوا ما طابَ لَكُم مِنَ النِّساءِ مَثنى وَثُلاثَ وَرُباعَ فَإِن خِفتُم أَلّا تَعدِلوا فَواحِدَةً أَو ما مَلَكَت أَيمانُكُم ذلِكَ أَدنى أَلّا تَعولوا	رعایت حقوق همه همسران	رعایت حقوق همسران و یتیمان		قسط درباره یتیمان، ترس از رعایت نکردن عدالت		با آیه‌های قبل و بعد قسط در دادن حق اقتصادی یتیمان و همسران است
	اگر بترسید که مبادا در باره یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آورید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نپیموده و به آنها ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفاء کنید که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستمکاری است.						
شوری/ ۱۵	فَلِذلِكَ فَادعُ وَاستَقِم كَما أُمِرتَ وَلا تَتَّبِع أَهواءَهُم وَقُل آمَنتُ بِما أَنزَلَ اللَّهُ مِن كِتابٍ وَأُمِرتُ لِأَعدِلَ بَينَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَرَبُّكُم لَنا أَعمالُنا وَلَكُم أَعمالُكُم لا حُجَّةَ بَينَنا وَبَينَكُمُ اللَّهُ يَجمَعُ بَينَنا وَإِلَيهِ المَصيرُ	نتیجه کار هرکس به خودش برسد	عدالت بین مردم		دستور خدا، ایمان، استقامت زمینه عدالت، پیروی هوای نفس دیگران مانع عدل		به نظر عدالت کلی است
	و به همین جهت تو دعوت کن و همان طور که مامور شده‌ای استقامت بورز و دنبال هواهای آنان مرو و بگو من خود به آنچه خدا از کتاب نازل کرده ایمان دارم و مامور شده ام بین شما عدالت برقرار کنم، پروردگار ما و شما همان اللّه است، نتیجه اعمال ما عاید خود ما می‌شود و از شما هم عاید خودتان، هیچ حجتی بین ما و شما نیست، خدا بین ما جمع می کند و بازگشت به سوی او است.						
نساء/۱ ۲۹	وَلَن تَستَطيعوا أَن تَعدِلوا بَينَ النِّساءِ وَلَو حَرَصتُم فَلا تَميلوا كُلَّ المَيلِ فَتَذَروها كَالمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصلِحوا وَتَتَّقوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ غَفورًا رَحيمًا	دادن حق همسران	عدل میان همسران		رعایت اخلاق، اصلاح، تقوا، ناتوانی اجرای عدالت میان همسران		با آیه قبل دادن حق اقتصادی همسران و با آیه بعد خدا بی‌نیاز می‌سازد اقتصادی است.
	شما هرگز نمی توانید در بین چند همسر عدالت را (به تمام معنا یعنی زائد بر مقدار واجب شرعی) رعایت کنید، هر چند که در آن باره حرص به خرج دهید پس (حداقل آن یعنی مقدار واجب را رعایت کنید) و به کلی از او اعراض مکنید که بلاتکلیفش گذارید و اگر اصلاح کنید و تقوا پیشه خود سازید و در نتیجه از گناهش درگذرید و به او ترحم کنید بدانید که گذشت صفت خدا است.						
نساء/۱ ۳۵	يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا كونوا قَوّامينَ بِالقِسطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَلَو عَلى أَنفُسِكُم أَوِ الوالِدَينِ وَالأَقرَبينَ إِن يَكُن غَنِيًّا أَو فَقيرًا فَاللَّهُ أَولى بِهِما فَلا تَتَّبِعُوا الهَوى أَن تَعدِلوا وَإِن تَلوۥا أَو تُعرِضوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعمَلونَ خَبيرًا	رعایت حقوق دیگران	شهادت به عدل		شهادت برای خدا، منافع خویشان و هوای نفس و نا آگاهی مانع عدالت		منافع نزدیکان و کج فهمی در توزیع درآمد مانع شهادت به قسط
	هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! عمل به عدالت را بپا دارید از روشن ترین مصادیق آن این است که طبق رضای خدا شهادت دهید، هر چند که به ضرر خودتان و یا پدر و مادرتان و خویشاوندانتان باشد، ثروت توانگر، و دلسوزی در حق فقیر وادارتان نسازد به اینکه بر خلاف حق شهادت دهید، چون خدا از تو، به آن دو مهربان‌تر است، پس هوا و هوس را پیروی مکنید که بیم آن هست از راه حق منحرف شوید و بدانید که اگر شهادت را تحریف کنید و یا اصلا شهادت ندهید خدا بدانچه می کنید آگاه است.						
أنعام/۱ ۵۲	وَلا تَقرَبوا مالَ اليَتيمِ إِلّا بِالَّتي هِيَ أَحسَنُ حَتّى يَبلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوفُوا الكَيلَ وَالميزانَ بِالقِسطِ لا نُكَلِّفُ نَفسًا إِلّا وُسعَها وَإِذا قُلتُم فَاعدِلوا وَلَو كانَ ذا قُربى وَبِعَهدِ اللَّهِ أَوفوا ذلِكُم وَصّاكُم بِهِ لَعَلَّكُم تَذَكَّرونَ	رعایت حقوق دیگران	سخن گفتن به عدل		وفای به عهد با خدا، سفارش خدا، طرفداری از		برای اندازه گیری واژه قسط آمده برای سخن گفتن عدل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

					نزدیکان مانع عدالت، تکلیف به اندازه توان	
به مال یتیم نزدیک مشوید جز به طریقی که نیکوتر است تا وی به قوت خویش برسد، پیمانه و وزن را به انصاف تمام دهید ما هیچ کس را مگر به اندازه تواناییش مکلف نمی کنیم چون سخن گویید دادگر باشید گر چه علیه خویشاوند و به ضرر او باشد و به پیمان خدا وفا کنید، اینها است که خدا شما را بدان سفارش کرده، باشد که اندرز گیرید.						
بقرهٔ/ ۲۸۲	یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا إِذا تَدایَنتُم بِدَینٍ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی فَاکتُبوهُ وَلیَکتُب بَینَکُم کاتِبٌ بِالعَدلِ وَلا یَأبَ کاتِبٌ أَن یَکتُبَ کَما عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلیَکتُب وَلیُملِلِ الَّذی عَلَیهِ الحَقُّ وَلیَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلا یَبخَس مِنهُ شَیئًا فَإِن کانَ الَّذی عَلَیهِ الحَقُّ سَفیهًا أَو ضَعیفًا أَو لا یَستَطیعُ أَن یُمِلَّ هُوَ فَلیُملِل وَلِیُّهُ بِالعَدلِ وَاستَشهِدوا شَهیدَینِ مِن رِجالِکُم فَإِن لَم یَکونا رَجُلَینِ فَرَجُلٌ وَامرَأَتانِ مِمَّن تَرضَونَ مِنَ الشُّهَداءِ أَن تَضِلَّ إِحداهُما فَتُذَکِّرَ إِحداهُمَا الأُخری وَلا یَأبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعوا وَلا تَسأَموا أَن تَکتُبوهُ صَغیرًا أَو کَبیرًا إِلی أَجَلِهِ ذٰلِکُم أَقسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقوَمُ لِلشَّهادَةِ وَأَدنی أَلّا تَرتابوا إِلّا أَن تَکونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُدیرونَها بَینَکُم فَلَیسَ عَلَیکُم جُناحٌ أَلّا تَکتُبوها وَأَشهِدوا إِذا تَبایَعتُم وَلا یُضارَّ کاتِبٌ وَلا شَهیدٌ وَإِن تَفعَلوا فَإِنَّهُ فُسوقٌ بِکُم وَاتَّقُوا اللَّهَ وَیُعَلِّمُکُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیءٍ عَلیمٌ	درست و برابر واقع	نوشتن به عدل، قرارداد مالی، حق و درست را نوشتن، شهادت	درست، برابر واقع	اخلاق، درستی، معامله، تقوا، ایمان، رضایت طرفین به شاهد، ممنوعیت نپذیرفتن شهادت و نوشتن درست، زیان نرساندن به نویسنده و گواه	مساله اقتصادی است و نوشتن به عدل باشد. دیکته کردن متن به عدل باشد. نوشتن توافق اقتصادی اقسط است
شما ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه به یکدیگر وامی تا مدت معینی دادید آن را بنویسید، نویسنده‌ای در بین شما آن را به درستی بنویسد، و هیچ نویسنده‌ای نباید از آنچه خدایش آموخته دریغ کند، پس حتما بنویسید، و باید کسی که حق به عهده او است و بدهکار است، املا کند، (نه طلبکار)، و باید که از خدا و پروردگارش بترسد، و چیزی کم نکند و اگر بدهکار سفیه و یا دیوانه است، و نمی تواند بنویسد سرپرستش به درستی بنویسد، و دو گواه از مردان و آشنایان به گواهی بگیرید، و اگر به دو مرد دسترسی نبود، یک مرد و دو زن از گواهانی که خود شما دیانت و تقوایشان را می‌پسندید، تا اگر یکی از آن دو یادش رفت دیگری به یاد او بیاورد و گواهان هر وقت به گواهی دعوت شدند نباید امتناع ورزند و از نوشتن وام چه به مدت اندک و چه بسیار، ملول نشوید که این نزد خدا درست تر و برای گواهی دادن استوارتر، و برای تردید نکردن شما مناسب‌تر است، مگر آنکه معامله‌ای نقدی باشد، که ما بین خودتان انجام می دهید، پس در ننوشتن آن حرجی بر شما نیست، و چون معامله‌ای کردید گواه گیرید و نباید نویسنده و گواه را زیان برسانید و اگر رساندید، ضرری به خودتان است، از خدا بترسید خدا به شما می‌آموزد که او به همه چیز دانا است.						
أنعام/۱ ۱۵	وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لاٰ مُبَدِّلَ لِکَلِمٰاتِهِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ	درست	سخن خدا به- عدل است		تغییرناپذیری سخن- خدا،درست	سخن خدا درست و عادلانه (معیار حق و درستی) است
تمام شد سخن خداوندتو راست و عدل، نیست گرداننده سخن او را، و اوست شنوا و دانا						

۴،۲،۳. تحلیل مولفه‌های معنایی عدل در قران

اگر بخواهیم مجموعه هم‌نشین‌های عدل را برای توضیح مفهوم درست عدالت در قران به کار ببریم، می‌توانیم ابعاد مفهومی عدالت در قران را در چند ویژگی عدالت که در قران بیان شده است خلاصه کنیم. برای درک بهتر مفهوم از هم‌نشین‌های واژه عدل به معنای عدالت در قران یاری می‌گیریم. این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

هم‌نشین‌ها برابر واقع بررسی و توضیح داده می‌شوند. اینها بر پایه آنچه در قران در باره عدالت آمده است و در جدول یک ارایه شد، در جدول ۲ خلاصه شده است. مولفه‌های معنایی عدل در قرآن در چارچوب، فاعل، معنا، پایه، موضوع و کارکرد، همترازها، مخالف‌ها و موانع عدالت استخراج شده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

الف. فاعل عدالت

با توجه به آیه‌های قران برخی کارهای انسان‌ها، می‌توانند دارای ویژگی عادلانه بودن باشند. در برابر، این کارها می‌توانند این ویژگی را نداشته باشند. اگر این ویژگی را داشته باشند در آن کارها عدالت رخ داده است. اگر نه، عدالت رخ نداده است. انجام دهنده (فاعل) کاری (فعلی) که می‌تواند ویژگی عادلانه بودن را داشته باشد، یک فاعل هوشمند است. از این‌رو خدا خود را فاعل آن دانسته و انسان به ویژه انسان‌های مومن و با تقوا را فاعل کار عادلانه می‌داند (طلاق ۲، مائده ۹۵، مائده ۱۰۶، انفطار ۷ و مانند اینها). و در آیه‌های ۳ نساء و ۱۲۹ نساء و ۲۸۲ بقره که موضوع اقتصادی دارند به مسلمانان سفارش شده است عدالت کنند.

ب. ماهیت عدالت

در عین حالی که از دیدگاه قران عدالت می‌تواند ویژگی کارهای انسان باشد، قران رفتار به عدالت را واجب می‌داند و در آیه ۱۰۶ سوره مائده می‌فرماید باید شهادت عادلانه بدهید و از قول شاهد می‌گوید که می‌دانیم اگر از آن امتناع کنیم گناه‌کار خواهیم بود. بر این پایه در دیدگاه قران عدول از عدالت گناه شمرده شده است (مائده ۱۰۶). همچنین در آیه ۲۸۲ سوره بقره (که موضوع اقتصادی دارد) از نپذیرفتن شهادت و نوشتن درست قرارداد منع شده است، به سخنی این کار واجب انسانی است. این نکته بسیار مهم است که می‌توان بر این پایه گفت داشتن عدالت در قران برتری دانسته نشده است، بلکه عدالت ویژگی بایسته یک رفتار انسانی است و قران نداشتن آن را عیب و گناه می‌داند و کسانی که عدالت ندارند پست‌تر شمرده شده‌اند. نکته دیگر اینکه در ضمن اینکه عدالت را یک ویژگی برتر می‌داند، انجام آن را دارای پاداش ویژه‌ای نمی‌داند. یعنی رفتار عادلانه، وظیفه دانسته شده است. در آیه ۳ سوره نساء هم می‌فرماید در کار اگر نمی‌توانید عدالت کنید آن کار را انجام ندهید. نمی‌فرماید در آن کار اگر عدالت کنید پاداش می‌گیرید. می‌فرماید کار بی‌عدالت را ترک کنید. یعنی انجام ندادن کاری که در آن عدالت نباشد، بهتر است. از این قاعده می‌توان برداشت کرد که کار بی‌عدالت مجازات خواهد داشت. این نکته که ماهیت عدالت را نشان می‌دهد، با توجه به پایه و مبنای عدالت و همنشین-های عدالت که در ادامه اشاره می‌شوند، مفهوم عدالت را بهتر روشن می‌کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

پ. پایه (مبنای) عدالت

بر پایه آنچه در قران آمده است، می‌توان گفت رفتاری عادلانه است یا به سخن دیگر به کاری می‌توان ویژگی عادلانه بودن را داد که در انجام آن کار حق هیچ کس از او گرفته نشود و زمینه‌ای برای پایمال شدن حق هیچ کسی یا انتقال حق کسی به دیگران فراهم نشود. این نکته که رفتار عادلانه رفتاری است که بر پایه رعایت حق انجام شود در دو آیه ۱۵۹ و ۱۸۱ سوره اعراف به صراحت بیان شده است. این مفهوم در جاهای دیگر به ویژه در جاهایی که قران، شهادت درست یا نوشتن درست توافق‌ها را رفتار عادلانه می‌داند. مانند آیه‌های ۲۸۲ بقره، ۱۰۶ مائده و ۲ طلاق به روشنی دیده می‌شود. این نکته که مبنای عدالت رعایت حق افراد است در موضوع‌هایی که قران برای عدالت در نظر گرفته است، بسیار روشن است. مفهوم‌های هم‌نشین با عدالت نیز در کنار اینها رعایت حق بودن عدالت را تاکید می‌کنند.

یک نکته مهم در تعبیر خلقت انسان (آیه ۷ سوره انفطار) نیز وجود دارد که بسیاری از مترجمان قرآن مانند هم بیان کرده‌اند و به آن توجه نکرده‌اند. نکته این است که هنگامی که خدا به انسان خلقت و اجزایی می‌دهد، یعنی به طور کلی قرار است چیزی بدهد دست‌کم باید بر پایه عدالت بدهد. یعنی حق انسان در کیفیت خلقت رعایت شود. متاسفانه برخی مترجمان در اینجا معنای مشهور عدل را کنار گذاشته‌اند و معنای دیگری که در واژه عدل دیده نمی‌شود و یا بسیار دور است، یعنی پردازش نیکو ترجمه کرده‌اند. این معنا در هیچ یک از واژه‌نامه‌ها برابر عدل دیده نمی‌شود. چنانچه در آیه ۱۱۵ سوره انعام تصریح شده است که سخن خدا عادلانه است یعنی در سخن خدا رعایت حقوق افراد شده است. از این‌رو کردار خدا مانند خلقت نیز باید عادلانه باشد. پس عدالت در خلقت به معنای دادن حق انسان در خلقت، معنای درست‌تری می‌تواند باشد.

ت. موضوع و کارکرد عدالت

آنچه در برداشت از قران در باره یک مفهوم که خود، کار یا ویژگی کار است مهم است، این است که آن کار در چه زمینه‌ای انجام می‌شود. اگر در قران تامل کنیم چنانچه در جدول یک آمده است می‌توانیم موضوع عدالت را کارهای زیر بدانیم: رعایت حقوق افراد مختلف مانند همسران و یتیمان، شهادت دادن درست (برابر حق)، دادن حکم درست (برابر حق) برای جزای کار حرام، آفرینش انسان، اصلاح بین دو طایفه، حکم میان مردم، نوشتن قرارداد و سخن گفتن. یعنی بر پایه قران، این کارها مصداق‌هایی برای آن است که بدانیم باید در باره آنها و مانند آنها عدالت را رعایت کنیم.

موضوع ۷ آیه (۸ تکرار) (۷ انفطار، ۸ مائده، ۱۵۹ اعراف، ۹۰ نحل، ۱۸۱ اعراف، ۹ حجرات و ۱۵ شوری) عدالت کلی است که در این آیه‌ها موضوع ویژه‌ای برای عدالت مطرح نشده است، عدالت کلی مطرح شده است، مانند دستور خدا برای انجام عدالت و عدالت برپایه حق انجام می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

موضوع ۲ آیه یکی سخن گفتن انسان (۱۵۲ انعام) است به دنبال بیان قسط اقتصادی، و یکی سخن خدا (۱۱۵ انعام) عادلانه است. اگر در سخن گفتن نیز تاکید شده است عدالت کنید، روشن است که در بسیاری از گفتارهای نادرست ادعای انتصاب یک حق به کسی یا سلب حق از کسی صورت می‌گیرد. در باره گفتار می‌توان در معنای کلی‌تر، درستی یا نادرستی را هم مشاهده کرد (به معنای راست یا دروغ) دروغ در باره حق افراد، مصداقی از نادرستی کلی است. بر این پایه ممکن است هر نادرستی‌ای در گفتار بی‌عدالتی به شمار نیاید، ولی دست کم برخی از نادرستی‌ها که رعایت حق فرد یا افرادی در آن نمی‌شود با این معنا بی‌عدالتی به شمار می‌آید. ولی اگر عدالت را به معنای درست بدانیم، هر سخنی می‌تواند موضوع عدالت باشد.

موضوع ۲ آیه (۳ تکرار) (۹۵ مائده و ۵۸ نساء) حکم دادن میان مردم و تعیین مصداق حکم خدا و حکم عادلانه جایگزین است. در حکم دادن نیز چنین این است که فرد صادر کننده حکم باید در حکم دادن عدالت کند. می‌دانیم که مصداق بسیار روشن رعایت حق افراد در حکم دادن رخ می‌دهد. زیرا هدف حکم، تعیین حق هر فرد است. در باره اصلاح بین دو دسته و مانند اینها هم جریان عادی آن است که اختلافی باشد تا نیاز به اصلاح باشد. یعنی ادعایی بر داشتن یا پایمال شدن حقی موجب اختلاف شده است و از این‌رو است که اصلاح بین مردم موضوع عدالت شده است. یعنی یکی از کارهایی که باید در آن عدالت رعایت شود، اصلاح بین مردم است تا مبادا در این اصلاح حقی رعایت نشود.

موضوع ۳ آیه (۲ طلاق و ۹۵ و ۱۰۶ مائده) شهادت دادن است یکی شاهد طلاق و یکی شاهد وصیت که هر دو بعد اقتصادی بالایی دارند. در اینها آمده است اگر قرار است شهادت بدهید باید آنچه درست و بر پایه رعایت حق افراد موضوع شهادت است، آن را انجام دهید، همچنین افراد عادل را به شهادت بگیرید، پس شهادت بدون عدل پذیرفته نیست. موضوع یک آیه (۱۳۵ نساء) نیز منافع شخصی را مانع شهادت به قسط است.

وضوع یک آیه (۷۶ نحل) فایده‌مندی آمر به عدالت است. در این آیه و آیه پیش از آن انسان دعوت کننده به عدالت را مانند انسان توانمند و ثروتمند معرفی می‌کند که به دیگران نفع می‌رساند (در برابر انسان ناتوانی که نیازهای خود را نیز نمی‌تواند تامین کند و برای تامین خود سربار دیگران است).

موضوع ۳ آیه (۴ تکرار) عدالت اقتصادی است. ۲ آیه (۳ نساء و ۱۲۹ نساء) دادن حق اقتصادی همسران و یتیمان و در یک آیه (۲۸۲ بقره) یک بار نوشتن توافق اقتصادی و یک بار دیکته کردن حقوق اقتصادی فرد یتیم برای نوشتن قرارداد یا توفق اقتصادی است. با این توضیح‌ها می‌توان گفت از نظر رفتاری یک بخش مهم موضوع عدالت در قران اقتصادی است این صرف‌نظر از آن است که قسط را هم برابر عدالت بدانیم. در آیه ۲۸۲ بقره گفته شده است بر پایه عدالت بنویسید. اینجا موضوع

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

توافق‌نامه‌ها و قراردادها و مانند اینها مطرح است که در ادامه نیز گفته شده است که در دیکته کردن متن توافق نیز عدالت را رعایت کنید. به ویژه آنکه گفته شده است بدهکار متن را دیکته کند. یعنی رعایت حقوق اقتصادی افراد در نوشتن و گفتن متن است.

بر این پایه رفتارهای مهمی که موضوع عدالت است حکم دادن، شهادت دادن، سخن گفتن و دادن و رعایت حقوق اقتصادی دیگران است. البته در حکم دادن، شهادت دادن و سخن گفتن نیز رعایت حق افراد معیار است.

ث. همترازهای عدالت

در قران برخی کردارها و واژه‌ها با واژه عدل هم‌نشین شده‌اند، یعنی همراه عدل بیان شده‌اند. اینها نیز معناهایی را به مفهوم عدل می‌افزایند. برخی واژه‌ها شکل انجام عدل و برخی همتراز یا مخالف آن را بیان کرده‌اند. شکل اجرای عدل با واژه‌های حق (۱۵۹ و ۱۸۱ اعراف) و قسط (۹ حجرات) بیان شده است. از این رو عدالت باید بر پایه حق و قسط انجام شود. در هر دو اینها توصیه شده است عدالت بر این دو پایه انجام شود. حق در قران و قسط در قران و جایگاه آنها بحث مفصلی می‌طلبد که در اینجا نمی‌گنجد. ولی اینها در قران به عنوان معیار درستی عدالت بیان شده‌اند.

عدل بایسته فطری: قران در آیه ۹۰ سوره نحل، نیکی کردن و بخشش به خویشان که یک تمایل و وظیفه فطری انسان است را همراه و همتراز عدل بیان شده است. بر این پایه می‌توان گفت عدالت در تراز بایسته‌های فطری مانند نیکی و بخشش به نزدیکان است. به ویژه با توجه به آیه‌هایی مانند ۸ و ۱۰۶ مائده و ۱۳۵ نساء و ۱۵۲ انعام که جانبداری غیر عادلانه از خویشاوندان را مانع عمل به عدالت می‌خواند، برداشت عدالت به عنوان یک بایسته وظیفه‌ای برای انسان را تقویت می‌کند. در قران عدالت هم‌نشین و همتراز با کردارهایی مانند کار درست، قرین بازگرداندن امانت، یک کار اخلاقی، دستور خدا به انسان، وفای به عهد، سفارش انسان به دیگران، اخلاق درست معامله و مانند اینها نیز آمده است که به آسانی می‌توان درک کرد که اینها از وظیفه‌های انسانی هر کسی در انجام کارها هستند. اینها نیز تاکید می‌کنند که عدالت یک وظیفه انسانی همگانی است.

ج. کار مخالف عدالت

در قران دو جا کارهایی مخالف عدالت بیان شده است. یکی آیه ۹ سوره حجرات، عدل را مخالف تجاوز دانسته است و دیگری در آیه ۹۰ سوره نحل که خدا می‌فرماید: خدا به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشان فرمان می‌دهد و از کار بد و ناروا و تجاوز منع می‌کند، پندتان می‌دهد شاید اندرز گیرید. در اینجا در برابر این کارها، فحشا (کار ناروا)، منکر (کار بد) و بغی (تجاوز از حد درست) را مخالف عدالت و همترازهای آن می‌داند. اینها نیز نشان‌دهنده وظیفه بودن عدالت است و اینکه بی عدالتی مجازات دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

با دقت در اینجا متوجه می‌شویم با وجودیکه گفته شده است واژه ممخالف عدالت ظلم است، ولی در قران واژه مخالف عدالت را ۲ بار تجاور و خروج از حدود درست بیان کرده است و در یکی از آنها فحشا و منکر را نیز در کناری بغی (تجاوز از حدود) آورده شده است.

چ. موانع عمل به عدالت

با تعمق در مطالبی که در جدول یک آمده است می‌بینیم که واژه‌های نزدیک تقوا (ترس از خدا)، تسلیم امر خدا شدن، ایمان، رعایت اخلاق، موعظه و مانند اینها نیز نشانه‌هایی بر این هستند که انسان‌ها انگیزه دوری از اجرای عدالت را دارند. از این‌رو در قران به انگیزه اصلی عدول انسان‌ها از عدل نیز اشاره شده است. در قران به ۴ علت و انگیزه اصلی برای عدول از عدالت اشاره شده است: یکی دشمنی با دیگران که در آیه ۸ سوره مائده آمده است، دیگری طرفداری از خویشاوندان که در دو آیه ۱۰۶ سوره مائده و ۱۵۲ سوره انعام یادشده، سومی پیروی هوای نفس است که در آیه ۱۵ سوره شورا و آیه ۱۳۵ سوره نساء بیان شده است و آخری کج فهمی که در آیه ۱۳۵ سوره نساء بیان شده است. بر این پایه حب، بقض و منفعت شخصی از انگیزه‌های فردی و کج‌فهمی ناشی از جهل انسان مانع‌های رعایت حق دیگران و به تعبیر قرانی، مانع‌های عدالت هستند. اقتصادی

کج‌فهمی در بحث عدالت بسیار مهم است و موضوع مثال زده شده در قران نیز به روشنی وضعیت بسیاری از اندیشه‌های رایج گسترش یافته در جامعه و در سیاست‌گذاری و عمل مسوولان را نشان می‌دهد و نیز نشان‌گر رفتار ناآگاهانه در جامعه‌های بی‌توجه به حق همگان است. ترجمه برگرفته از المیزان برای این آیه چنین است: هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! عمل به عدالت را بپا دارید از روشن‌ترین مصادیق آن این است که طبق رضای خدا شهادت دهید، هر چند که به ضرر خودتان و یا پدر و مادرتان و خویشاوندانتان باشد، ثروت توانگر و دلسوزی در حق فقیر، وادارتان نسازد به اینکه بر خلاف حق شهادت دهید، چون خدا از تو، به آن دو مهربان‌تر است، پس هوا و هوس را پیروی نکنید که بیم آن هست از راه حق منحرف شوید و بدانید که اگر شهادت را تحریف کنید و یا اصلا شهادت ندهید خدا بدانچه می‌کنید آگاه است.

بسیار روشن شده است که باید بر پایه قسط و برای خدا شهادت داد، نفع خود و خویشاوندی یک طرف و ثروت و فقر افراد شما را وادار به زیر پاگذاشتن حق نکند. به سخن روشن شما در شهادت دادن (که می‌تواند هم کارهای دیگر اینگونه باشد) به علت ثروت یا فقر یا نزدیکی طرف دعوا به شما، خارج از قاعده قسط شهادت ندهید و عدالت را رعایت کنید. یعنی هیچ چیزی نباید مانع رعایت حقوق افراد و جابجایی حق کسی برای دیگری باشد. این آیه قران بر خلاف بسیاری از دیدگاه‌های جاهلانه است که با نام عدالت، حسادت و تنگ نظری را در جامعه و بین سیاستگذاران و تصمیم‌گیران رواج می‌دهند تا علیه کسانی که ثروتمند هستند، تصمیم‌گیری کنند و با ابزارهای گوناگون به ثروت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

آنها تجاوز کنند. شک نیست که این‌گونه برداشت‌ها خلاف قران و عدالت است و باید جلوی آن گرفته شود و مجازات آخرتی نیز خواهد داشت. صراحت بیان قران در این است که می‌گوید خدا به هر دو ثروتمند و فقیر از شما مهربان‌تر است. پس گرفتن مال ثروتمند و دادن آن به فقیر (و یا عکس آن) کاری خلاف خواست خدا و مهربانی است. شاید بتوان گفت این آیه یکی از آیه‌هایی است که به روشنی اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی را نفی می‌کند و مخالف برابری درآمد و ثروت است. همچنین این اندیشه را مخالف خواست خدا می‌داند. البته در این زمینه آیه‌های دیگری نیز وجود دارد که در آنها نیز گرفتن مال کسی و دادن آن به دیگری از جمله فقیر، جایز نیست. ولی تفاوت این آیه با آنها در این است که اینجا مطرح کردن موضوع در جایی است که موضوع قسط و عدالت در میان است و آن را خلاف عدالت می‌شمارد. در جای دیگری خدا می‌فرماید: **وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ** (نجم، ۳۹) که این تاکیدی بر ان است که هیچ کس مالک آن چیزی نیست که خودش به دست نیاورده است. پس نباید مال کسی را به دیگری داد.

ح. برابری و عدالت

از آنجا که یکی از معناهای عدل برابری است و برخی به آن اشاره کرده‌اند، توضیح برابری قرانی مفید است. در واژه عدل یک مفهوم برابری نیز نهفته است. با یک تعبیر بسیار ساده برابری نهفته در معنای عدالت یعنی همه را برابر ببینیم، نه اینکه همه را برابر کنیم. به سخن دیگر همه افراد نزد کسی که برای آنها حکم می‌دهد یکسان هستند و حق هیچ کس را پایمال نمی کند یا به دیگری نمی‌دهد. تبعیض میان افراد قایل نشدن و حق همه را به اندازه استحقاق آنها به آنها دادن. اگر همه افراد در چیزی حقوق برابر دارند حق آنها به اندازه برابر داده شود و اگر حق نابرابر دارند، به هر کس به اندازه حقش داده شود. میانشان تبعیض قایل نشویم که حق برخی را بگیریم و به برخی دیگر بدهیم یا از حق برخی بکاهیم و به برخی دیگر بیافزاییم. یعنی همه طرف‌های یک تصمیم در برابر قانون، قانونگذار، سیاستگذار، حاکم، قاضی یا هر تصمیم‌گیرنده و عمل‌کننده دیگری برابر هستند.

آیه ۱۳۵ سوره نساء این نکته دقیق را بیان می کند که اگر شهادت می‌دهید بر پایه قسط شهادت دهید، یعنی درست و دقیق شهادت دهید. حتی اگر خودتان یا نزدیکانتان یک طرف بودید و دیگرا ن طرف دیگر، طرف خود یا نزدیکانتان را نگیرید. دیگران را با خود برابر ببینید و کوشش نکنید با شهادت یا حکم خودتان دارایی ثروتمند و فقیر را جابجا کنید یا با کاری غیرعادلانه حق دیگران را به خود و نزدیکانتان اختصاص دهید. خدا این گونه دارایی را میان آنها توزیع کرده است، شما از خدا مهربانتر نیستید که بخواهید با بهانه مهربانی مال افراد را جابجا کنید. پس از هوای نفس پیروی نکنید که موجب عدول از عدالت می‌شود. افزون بر اینها هیچ جای قران به برابر کردن و برابرسازی افراد توصیه نشده است، بلکه بر پایه این آیه و برخی آیه‌های دیگر برابرکردن دارایی افراد منع شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

نکته دیگر اینکه در نوشته‌های هیچ یک از اندیشمندان گذشته مانند فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن مسکویه، ابن خلدون، خواجه نظام الملک و دیگران نمی‌بینید که برابرسازی افراد و کاهش فاصله و تفاوت میان افراد به عنوان عدالت مطرح شده باشد. ولی در نوشته‌های برخی از آنها برابر دیدن و برخورد بدون تبعیض دیده می‌شود. برابری قرانی و نیز در اندیشه اندیشمندان گذشته در برخورد با افراد و دادن جایگاه یکسان در برابر سیاست، قانونی و عملکرد به همه افراد است، نه اینکه افراد را در دارایی برابر کنیم. عدالت قرانی و عدالت نزد اندیشمندان مسلمان و قریب به اتفاق اندیشمندان غیرمسلمانان گذشته به معنای آن است که اگر قرار است دارایی همگانی میان آنها توزیع شود باید به همه برابر هم بدهیم و دارایی شخصی افراد هر اندازه هست، متعلق به خودشان است. عدالت کمونیستی که از اندیشه‌های معدودی از گذشتگان برداشت می‌شود، پس از ارایه دیدگاه‌های کمونیستی سده ۱۸ میلادی و بعد از آن رواج یافت و متاسفانه برخی از اندیشمندان مسلمان نیز فارغ از نگاه به قران از اینها پیروی کرده‌اند و برابرسازی افراد را به عنوان عدالت تعبیر کردند. پس عدالت قرانی برابر دیدن و برابر بودن انسان‌ها است، برابرسازی و برابرکردن نیست.

۴،۲،۴. ابعاد اقتصادی عدالت در قرآن

در جدول ۲ ابعاد معنایی اقتصادی عدالت در قرآن بر پایه مولفه‌های بررسی شده، خلاصه و ارایه شده است. هر چند ابعاد اقتصادی عدالت در قرآن در چارچوب مثال‌هایی از مصداق‌های رفتارهای زمان نزول ارایه شده است، ولی می‌توان این مثال‌ها را حوزه معنایی عدالت در قران دانست. از نظر معنایی هر گونه بی‌عدالتی اقتصادی نیز گناه و دارای مجازات آخرتی است. همچنین مومنان، مسلمانان و مردم به رفتار عادلانه به صورت کلی سفارش شده‌اند. پایه و مبنای عدالت حق تعیین شده برای افراد است که هم در اقتصاد و هم در دیگر امور درست است. در زمینه موضوع عدالت اقتصادی به چند مفهوم مانند عدالت در نوشتن و دیکته کردن قراردادها توافق‌های اقتصادی و نیز دادن و رعایت حقوق اقتصادی همسران و یتیمان و نیز شهادت دادن اشاره شده است هر چند اینها دامنه گسترده‌ای از ابعاد اقتصادی رفتارها را نشان می‌دهد، ولی دیگر ابعاد اقتصادی رفتارها نیز مشمول رعایت حقوق دیگران می‌شود، مانند خرید و فروش، دادن و گرفتن دستمزد، تقسیم منافع شراکت، تملک و انتقال مالکیت و دیگر رفتارهای اقتصادی.

جدول ۲. خلاصه ابعاد اقتصادی عدالت در قران

ماهیت عدالت	یک ویژگی برای کارهای اقتصادی، تخلف در شهادت عادلانه و درست (عدل) گناه است.
فاعل عمل عادلانه	انسان، مومنان، تقواداران

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

پایه (مبنای) عدالت	پایه عدالت حق است، یعنی رعایت و دادن حق اقتصادی افراد.
موضوع رفتار عادلانه	رعایت حقوق اقتصادی همسران و یتیمان، نوشتن قرارداد، دیکته کردن متن‌ها و توافق‌های دارای ابعاد اقتصادی. افزون بر اینها شهادت دادن برابر حق در وصیت، طلاق و مانند آن امور اقتصادی را دربر می‌گیرد.
همترازهای عدالت	کمک مالی به نزدیکان، بازگرداندن امانت، اخلاق درست معاملهف نیکوکاری
موانع	جانبداری از منافع نزدیکان، برداشت غلط از عدالت و مهربانی در باره ثروت توانگر و دلسوزی برای فقیر، پیگیری نفع مالی نامشروع
کار مخالف عدل	می‌توان فحشا (کار ناروا)، منکر (کار بد) و بغی (تجاوز از حدود) را نیز دارای ابعاد اقتصادی دانست

۵. جمع بندی

از نظر نوع برخورد قران با وضع لفظ عدالت بر موضوع آن می‌توان گفت قران لفظ عدالت را که معنای عام است گرفته و به رفتار عام رعایت و دادن حق دیگران اتلاق کرده است. بر این مبنا می‌توان گفت به نوعی وضع لفظ عام بر موضوع عام است. هر دو این معناها وجود داشته است، ولی اینکه معنای درست عدالت چیست، در باره آن اندیشمندان مختلف دیدگاه‌هایی را ارایه کرده‌اند، ولی قران به تخصیص ویژه‌تری بر این معنا پرداخته است..

چنانچه بیان شد واژه عدل در قران به چند معنا به کار برده شده است. ولی اصلی‌ترین و پرتعدادترین کاربرد آن معنای عدالت را می‌دهد. عدالتی که در قران به کار رفته است یک مفهوم کلی است که می‌توان با بررسی ابعاد مختلف بیان شده در قران برای آن برخی از جنبه‌های آن را روشن‌تر دید. با بررسی انجام شده دیدیم که در قران عدالت به معناهای درستی، برابر واقعیت بودن، درست-کاری، درست (دروغ و نادرست نبودن سخن یا نوشته)، جزای مناسب و عادلانه عمل، رعایت حقوق دیگران، رسیدن نتیجه کار هر کس به خودش، رعایت و دادن درست حقوق همسران و رعایت حقوق یتیمان به کار برده شده است. شاید بتوان گفت همه اینها در زمینه رفتار فردی به معنای رعایت و دادن حق یگران است. دادن حق هر کسی به او و پایمال نکردن حقوق افراد از اصلی‌ترین و بدیهی‌ترین اصول درست‌کاری است که بی‌شک با توجه به هدف دین و فرستاده شدن وحی که ترویج درست‌کاری و اخلاق نیک انسان است، می‌توان گفت چنین برداشتی با دین و هدف آن سازگار است. شاید بتوان گفت برداشت‌های دیگر به طور مستقل نمی‌توانند عدالت قرانی را به خوبی نشان دهند.

بی‌شک برداشتی که همه خوبی‌ها را در عدالت می‌گنجاند، دقت بسنده ندارد. زیرا نخست اینکه قران چنین برداشتی را از عدالت نمی‌رساند. در بیان قران یکی از کارهای درست عدالت است. قران این کار را در کنار کارهای درست دیگر مانند دادن امانت به صاحب آن، انجام تعهد، نیکی کردن به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

خویشان، بخشش مال به نزدیکان و مانند اینها به کار برده است. همه اینها کارهای درست است که هر انسانی به عنوان انسان باید انجام بدهد و درستی آنها در انسانیت، انسان نهفته است. بر این پایه عدالت یک ویژگی انسانی بایسته انسان است نه یک کار فوق‌العاده و انجام ندادن عدالت یک عیب و عدول از انسانیت است. این نکته بسیار مهم است و به آن معنا است که از هر کسی باید انتظار داشت عدالت را رعایت کند و رعایت نکردن آن از دیدگاه قران ناپسند است و مجازات دارد. در سیاست‌گذاری و مدیریت جامعه نیز باید اینگونه باشد که عدالت وظیفه دانسته شود و عدول کننده از آن مجازات شود. بسیاری از خوبی‌ها برتر از عدالت دانسته شده‌اند و انجام آنها وظیفه نیست بلکه پاداش دارد، مانند پرداخت زکات، ایثار، گذشت در برابر دیگران و یاری مستمندان. بر این پایه اجبار به کمک دیگران نیز در جایگاه عدالت قرار نمی‌گیرد.

برداشتی مانند ایجاد برابری در دارایی و درآمد، مغایر با عدالت اسلامی است. هر چند برابر دیدن همه و مساوات در جایگاه‌هایی مانند برخورد قاضی، مقام اجرایی و مدیر کشوری و مانند اینها با همه افراد به عنوان یک انسان، عدالت است و با مفهوم دادن حق همه افراد هماهنگ است، ولی برابرسازی افراد با تقسیم منافع کار، حقوق، دارایی، پاداش افراد و مانند اینها به غیرحق، عدالت نیست. بر پایه نص صریح قران، خدا افراد را برابر نیافریده است و به آنها نیز روزی برابر نداده است. در آیه ۷۱ سوره نحل می‌فرماید: و خدا رزق بعضی از شما را بر بعضی دیگر فزونی داده، آنان که رزقشان افزون شده (زیادی) رزقشان را به زیردستان و غلامان نمی‌دهند تا با هم مساوی شوند (لیکن مقام خدایی را به بتی یا بشری می دهند تا با خدا شریک و مساوی دانند، زهی جهل و ناسپاسی!) آیا نعمت ایمان به خدا را (به عصیان و شرک) باید انکار کنند.[۱] همچنین در آیه ۳۰ سوره اسرا می‌فرماید: همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند، که او (خدا) به (صلاح کار) بندگان خود کاملا آگاه و بصیر است.[۲] آیه ۳۲ سوره زخرف نیز همین را می‌فرماید. پس توزیع برابر درآمد و ثروت نمی‌تواند معنای عدالت اسلامی را بدهد.

برداشت محدود کردن آزادی و حق مالکیت مانند گرفتن اجباری دارایی ثروتمندان و یا منع آنان از بهره‌مندی از حقوق شخصی یا همگانی و ایجاد تبعیض علیه آنان به بهانه ثروتمند بودن نیز مغایر عدالت اسلامی است. زیرا آیه ۱۳۵ سوره نساء به صراحت دادن شهادت به بهانه ثروتمند بودن یا فقیر بودن افراد را علیه آنها مغایر عدالت می‌داند و آن را فهم نادرست از عدالت و مهربانی می‌داند. اگر افرادی به هر علتی مانند کار نکردن یا کم‌کاری و تنبلی، ضعف تصمیم‌گیری، نداشتن تخصص و یا

---

۱ وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ (نحل، ۷۱) ترجمه‌ها از الهی قمشه‌ای.

۲ إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا (اسراء، ۳۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

حتی سیاست‌های نادرست دولت دچار فقر شده باشند، دولت نمی‌تواند حکم یا قانونی بدهد که حقوق و دارایی گروهی (مانند مالیات بر دارایان) را به نفع آنها جابجا کند. قران در جایگاه‌های مختلف این مطلب را تصریح می‌کند، مانند آیه ۳۸ سوره مدثر که می‌فرماید: هرکسی در گرو عملی است که انجام داده است.[۱]

همچنین در آیه ۳۹ سوره نجم می‌فرماید هیچ چیزی که انسان با تلاش خودش به دست نیاورده است، به او تعلق ندارد.[۲] این آیه دقت بیشتری می‌طلبد زیرا در اینجا نمی‌گوید مال هر کسی متعلق به او است. این را در آیه‌های دیگری مانند نمونه‌هایی که آوردیم گفته است. در اینجا می‌گوید چیزی غیر از آنچه افراد با تلاش خودشان به دست آورده‌اند به آنها تعلق ندارد. یعنی نباید به انسان‌ها پول و دارایی بدون تلاش داد. این حکم صریح قران است که می‌تواند پرداخت‌هایی مانند دادن یارانه به برخی (گروهی) و هزینه کردن از بودجه دولت برای برخی افراد (گروهی) را زیر سوال ببرد، به‌ویژه اگر از دارایی دیگران تامین شود یا از دارایی همگانی باشد. معنای برابری قرانی آن است که منابع همگانی باید به همگان و برابر برسد. این هم یک مصداق از معنای برابری نهفته در عدالت است. یعنی بر پایه عدالت قرانی نه تنها نباید مال افراد را گرفت که نباید مال غیر یا همگانی را اختصاصی کسی یا گروهی، حتی فقرا کرد، مگر افراد خودشان بخواهند مالشان را بدهند. بر پایه اینها برابر بودن افراد و برابر دیدن افراد در عدالت قرآنی هست، ولی برابر کردن آنها در عدالت قرآنی نیست.

در مقایسه با دیدگاه‌های اصلی رایج عدالت در جهان می‌توان در باره کلیات تفاوت دیدگاه برداشتی از قران با این دیدگاه‌ها گفت: دیدگاه نوزیک[۳] از جهت کنار گذاشتن مفاهیم اخلاقی از عدالت، تفاوت مشخص با عدالت قرانی دارد، ولی از نگاه قراردادن مبنای استحقاق با برداشت قرانی رعایت و دادن حق دیگران نزدیک است. دیدگاه هایک[۴] از نظر اینکه مبنای عدالت را رفتار انسانی می‌داند، با نگاه برداشتی از قران نزدیک است، ولی در اینکه موضوع همه سنت‌های اجتماعی شکل گرفته در طول زمان (طبیعی بشری) را خارج از موضوع عدالت می‌داند مقداری با نگاه قرانی متفاوت است. دیدگاه رالز[۵] نیز با مبنا قرار دادن اخلاق و انسان محوری با دیدگاه قرانی نزدیک است، ولی از چند جنبه با دیدگاه برداشتی از قران متفاوت است یکی اینکه مبنای اخلاق قرآنی با مبنای اخلاق در نظر رالز متفاوت است. دیگری اینکه مبنای دیگر عدالت او، یعنی دخالت در دارایی افراد و محدود کردن حقوق مالکیت با توزیع مجدد برابرتر اجباری دارایی افراد که منطق توزیع مبتنی بر انصاف ترسیمی او است،

---

۱ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (مدثر، ۳۸)

۲ وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (نجم، ۳۹)

3 Robert Nozick
4 Von Hayek
5 John Rawls

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

متفاوت از دیدگاه برداشتی از قران است که در آن مبنای عدالت در همه زمینه‌ها از جمله توزیع، حق افراد است. یک تفاوت دیگر در این است که رالز عدالت را حکومتی می‌داند و عدالت را به فرد نسبت نمی‌دهد. توزیع برابرتر از طرف حکومت و در قالب نهادهای اجتماعی باید رخ دهد. در حالی که در آیات قران تمرکز بر رفتار عادلانه فرد است، در هر جایگاهی قرار داشته باشد.

به طور اساسی برداشت‌ها، سیاست‌ها و اقدام‌های نادرستی مانند برابرسازی، زمینه‌های فعالیت‌های سازنده اقتصادی را می‌گیرد. تفاوت درآمد و دارایی می‌تواند انباشت سرمایه و در نتیجه سرمایه‌گذاری ایجاد کند و تولید، رونق و ارزش اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند. اقتصاد را به رشد و بالندگی برساند. از این‌رو است که خداوند در آیه ۳۲ سوره زخرف می‌فرماید: . . . این ماییم که روزی انسان‌ها را در زندگی دنیا تقسیم می‌کنیم و بعضی را در درجاتی بالاتر از بعض دیگر قرار می‌دهیم، تا بعضی، بعض دیگر را به استخدام خود درآورند و رحمت پروردگار تو از آنچه جمع می‌کنند بهتر است.[۱]

از موانع مهم عدالت پیروی از هوای نفس خود و دیگران، دشمنی دیگران، جانبداری از خویشاوندان و مهمتر از همه که به موضوع ما نزدیک است، برداشت غلط از عدالت و مهربانی است (ثروت توانگر و دلسوزی برای فقیر وادارتان نکند بر خلاف حق و عدل رفتار کنید). چنانچه دیدیم مفهوم کلی عدالت در فرهنگ قران و فرهنگ کلی ملل مختلف نزدیک به هم، یعنی رعایت حق افراد، درست و برابر واقعیت بودن حکم و شهادت و مانند اینها است، ولی هنگامی که به برخی ایدئولوژی‌ها، تمایلات و منافع شخصی و یا ناآگاهی آلوده می‌شود، اندیشمندان برای آن معنای دیگری بیان می‌کنند. اگر ادعای پیروی از دین وجود دارد باید دانست این‌گونه برداشت‌ها با عدالت قرانی مغایر است و باید مفهوم درست عدالت را مبنای بیان مفهوم عدالت و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری قرار داد.

---

۱ أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ (زخرف ۳۲)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

منابع

۱. قران کریم، ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، المیزان، طبری، آیتی، پاینده، ابراهیمی، انصاری، ارفع.
۲. ابن‌فارس، احمد (۱۴۱۰ ق) معجم مقاییس اللغه، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ق.
۴. اخلاقی، رحمت الله (۱۴۰۰) عدالت اجتماعی ازمنظر روایات، معارف اسلامی و اقتصاد، شماره ۱۳، صص ۸۷-۱۰۷.
۵. اخوان طبسی، محمد حسین و روح‌الله داوری (۱۳۹۷) صورت‌بندی مفهوم عدالت در قران کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط، پژهشنامه تفسیر و زیان قران، شماره ۱۳، ، صص۱۰۷-۱۲۸
۶. اسکی، محمد شفیق، جهانگیر ولدبیگی و شاهرخ سالاریان (۱۳۹۹) تحلیل حق، عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه های قرآنی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۶۹-۸۴
۷. افضلی، علی (۱۳۹۳) معناشناسی واژه عدالت در نهج‌البلاغه، پژوهشنامه علوی، سال پنجم، شمارۀ اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱-۱۸.
۸. امین‌مقدسی، ابوالحسن، نفیسه افصحی (۱۴۰۲) واکاوی معناشناختی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم با تکیه بر مبحث هم‌نشین‌های معنایی: ادب عربی، سال ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۳۵، صص۴۳-۶۰.
۹. باادب برزگر، اعظم و محمدعلی کاظمی تبار (۱۴۰۰) معناشناسی عدل در قرآن کریم، همایش تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، دوره ۱، صص ۱۸۷-۲۰۲.
۱۰. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۴) منجدالطلاب، ترجمه بندرریگی، محمد، تهران: اسلامی.
۱۱. پورمولا، سیدمحمدهاشم، مرجان غلامی و راضیه بن‌زاده (۱۳۹۴) معناشناسی واژۀ عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو، پژهش های فران و حدیث، سال چهل و هشتم، شمارۀ یکم، صص ۱-۲۳.
۱۲. توتونچیان، ایرج و عیوضلو، حسین (۱۳۷۹) کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، ۹۷-۱۳۲.
۱۳. نظری، حسن‌آقا (۱۳۸۳) عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام، اقتصاد اسلامی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۳، صص ۶۵-۸۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱۴. حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰) مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۵-۳۰.
۱۵. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰) الحیات، مترجم احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، محمدکاظم حیدری، محمد اسفندیاری (۱۳۸۳)، عقل سرخ، قم: دلیل ما.
۱۷. خسروپناه، عبدالحسین، علی اصغر پورعزت و حبیب محمدنژاد چاوشی (۱۳۹۳) وسعت معنایی عدالت در قران، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۱۷، سال ۵، صص ۴۹-۷۴.
۱۸. خاندوزی، احسان، علی مصطفوی ثانی و حسین سرآبادانی (۱۳۹۹) طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران، مجلس و راهبرد، شماره ۱۰۲، صص ۵-۴۱.
۱۹. خوش‌فر، محسن و راحله رحمانی (۱۴۰۰) الگوی عدل الهی با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب البیان، نشریه تحقیقات کلامی، شماره ۳۳، صص ۴۱-۵۷.
۲۰. خوری شرتونی، سعید (۱۳۸۵) اقرب الموارد فی فصح و الشوارد، تهران: اسوه.
۲۱. رازی، احمد بن محمد (ابن مسکویه) (۱۳۹۷) پیرایه جان (تهذیب الاخلاق و تطهیرالاعراق ابن مسکویه)، مترجم حسین قدمی، تهران: آیت اشراق
۲۲. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۶۲) المفردات فی غریب القرآن، تهران: مرتضوی.
۲۳. سرکش، عاطفه و آل‌عمران، رویا (۱۳۹۹) بررسی تأثیرپذیری نابرابری درآمد از مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در کشور ایران از منظر عدالت اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال ۲۰، شماره ۸۰، صص ۱۳۲-۱۰۷.
۲۴. سیدنورانی، سیدمحمدرضا و احسان خاندوزی (۱۳۹۵) معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران، مجلس و راهبرد، شماره ۸۵، صص ۵۷-۸۴.
۲۵. سید قطب (سید ابراهیم حسین شاذلی قطب) (۱۳۹۲) عدالت اجتماعی در اسلام: مباحثی در زمینه‌های جامعه، حکومت، اقتصاد و سیاست، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، چاپ اول، تهران: بوستان کتاب.
۲۶. شاکری، عباس، فرشاد مومنی، امیر خادم علیزاده و سید هادی مخزن موسوی (۱۳۹۸) درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت، اقتصادی با رویکردی اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال ۱۹، شماره ۷۴، صص ۵-۳۳.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲۷. شجاعی، حسین و محمدحسین اخوان طبسی (۱۴۰۰) چالش‌های واکاوی اصطلاحات تخصصی علوم انسانی در قران، فصلنامه پژوش‌های قرآنی، سال ۲۶، شماره۳، پیاپی ۱۰۰، صص ۲۵-۴۶.
۲۸. صفوی، کوروش (۱۳۷۹) درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره.
۲۹. صدر، محمدباقر (۱۳۵۰) اقتصاد ما، ج ۱، ترجمه محمدکاظم موسوی، تهران: برهان و اسلامی.
۳۰. صدر، محمدباقر (۱۳۵۷) اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع. اسپهبدی، چاپ ۲، تهران: اسلامی.
۳۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵) مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۳۲. طوسی، نصیرالدین (۱۳۴۶) اخلاق ناصری، تصحیح ادیب تهرانی، تهران: جاویدان.
۳۳. عربشاهی کریزی، احمد (۱۳۹۵) بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور، 312 -فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۸۲ ، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۳۴. عزتی، مرتضی (۱۳۹۳) تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، راهبرد اقتصادی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۲۰۵-۲۴۱.
۳۵. عزتی، محمدجواد و عزتی، مرتضی و مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰) تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران، سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۹، شماره ۳، صص ۶۱۰-۶۳۱.
۳۶. عیوضلو، حسین (۱۳۸۴) عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۷. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴) توسعه پایدار بر محور عدالت، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ش ۱۹، ص۹۱-۱۲۲.
۳۸. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۹) اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، مترجم سیدجعفر سجادی، تهران: طبع و نشر.
۳۹. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۸ ق) کتاب العین، بیروت: الاعلمی لالمطبوعات.
۴۰. فخرزارع، سید حسین (۱۳۹۸) عدالت احتماعی در قران، اسلام و مطالعات احتماعی، سال ۷، شماره ۲، (پیاپی ۲۶) صص ۷-۲۸.
۴۱. فرجی آرپناهی، زهرا، جلال ابراهیمی‌فر، معصومه عبدالهی آرپناهی، عیسی ابراهیمی‌فر، زینب عبدالهی آرپناهی (۱۳۹۹) تحقق رویکرد عدالت اجتماعی از دیدگاه قران کریم و روایات، مجله علوم اسلامی انسانی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۹-۲۶.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) عدل الهی، تهران: صدرا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۴۳. مطهری، مرتضی (۱۴۰۳) بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: حکمت.
۴۴. معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی معین، ۶ جلدی، تهران: امیر کبیر.
۴۵. هاشمی تنکابنی، سید موسی ۱۳۹۸ مرور تاریخی نظریه‌های مختلف دربارهٔ عدالت و پیجویی شواهد قرآنی مؤید هر نظریه، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۶، صص ۲۱۵-۲۴۰.
۴۶. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴) عدالت اقتصادی، اقتصاد اسلامی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۹۵-۱۱۲.
۴۷. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و مهناز زندیه (۱۳۹۵) بررسی عملکرد اقتصاد ایران از دید عدالت (با پافشاری بر روبکرد امام علی ع در عهدنامه مالک اشتر)، اقتصاد اسلامی، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۲۹-۶۷.
۴۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، برخط: https://icps.ut.ac.ir/fa/dictionary
۴۹. دیکشنری وبستر merriam-webster.com
۵۰. دیکشنری کمبریج dictionary.cambridge.org

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]